

انتخابات بسک
"رستاخیزی"

در حالی که دوروز بیشتر به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میاندوره‌ای مجلس با ملاحظه شورای اسلامی شده است شعبده بازان جمهوری اسلامی در انتظار رسمی برنده‌تاری میلیونها رای را که بی‌انگاره عتقاد آن توده‌ها به رژیم و موقعیت مستحکم آن در میان توده‌هاست! در مقابل چشم‌بان خیره جهانیان بنمایش بگذارند. این انتخابات در شرایطی که میلیونها تن از توده‌های مردم پس از گذشت بیش از دو سال از حکومت جمهوری اسلامی ماهیت ضد خلقی و فریبکارانه رژیم را درک کرده اند و هرگونه اعتقاد نسبت به آن را از دست داده‌اند، در شرایطی که عملکرد سیاستهای این رژیم حسی بر بسیاری از توده‌های عقب مانده نیز روشن شده است با توجه به مجموع شرایط سازمانهای انقلابی و مترقی بدون استثناء این انتخابات را تحریم کرده‌اند، برگزار نمی‌شود. اما در اهمیت این انتخابات برای سران جمهوری اسلامی همین بس که آنها خود بصراحت اعلام کرده‌اند که این انتخابات برای آنها از اهمیت سرنوشت ساز برخوردار است آنها اکنون در هیچک از انتخابات گذشته اینهمه امکانات مادی و معنوی اینهمه تبلیغات و فتاوی، اینهمه بقیه دوم صفحه ۲

قیام ۳۰ تیر تجربه‌ای پیروز ماندگاره از اتحاد عمل نیروهای خلق در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم

فروگذار نمی‌کنند. دکتر محمد مصدق که پس از ملی شدن نفت، در اردیبهشت ۱۳۳۰ به نخست وزیری رسیده بود، در خرداد ماه ۱۳۳۱ به لاهه رفت تا از حقوق مردم ایران در زمینه ملی کردن نفت و خلق پدای امپریالیسم انگلیس دفاع کند. پس از دفاع در لاهه و قتل از - صدور رای به ایران با زکشت و بیرستمنین بقیه در صفحه ۱۲

۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱ در تاریخ مبارزات کشور ما بعنوان روز قیام توده‌ای - پیروز ماند خلق در مقابل امپریالیسم ثبت شده است. در این روز مردم نهرمان میهنمان در اعتراض به استعفای دکتر محمد مصدق از سمت نخست وزیری، پرشور و جان بگف به خیابانها ریختند و نشان دادند که در مبارزه با ظواهرها شی از سلطه امپریالیسم و ارتجاع از هیچ جا نشانی

حسی چه گفت؟
حسی چه کرد؟

درباره
مجلس مؤسسان

از همان آغاز طرح شعار اثنای پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان به معنای یک شعار مرحله‌ای تبلیغاتی، این سوال مطرح شد که آیا این شعار حاصل بررسی و تحلیل اوضاع و احوال جامعه و محصول تحلیل مشخص از اوضاع مشخص است یا شعار ریست که از لایبلائی اوراق کتب و مطالعه تجربه‌ریاست بین المللی جنبش طبقه کارگر (بویژه تجربه سوئد) دمکراسی روسیه گرفته شده است؟ هدف ما از این مقاله طرح توضیح مبانی تئوریک و ارائه تحلیل مشخصی است که شعار رفوق را برای یک مرحله در دستور کار سازمان قرار داده است. به عبارت دیگر توضیح میدهم که منظور از یک مرحله چیست؟ چه ویژگیها و خصوصیات دارد و تا کی ادامه خواهد داشت؟ با اعتقاد ما انقلاب ضد امپریالیسم دمکراتیک ما به وجهه کارگران "بهم پیوسته" بقیه در صفحه ۱۹

موضعگیری های شوروی در قبال انقلاب ایران، نقض آشکار اصول انترناسیونالیسم پرولتری

رژیم جمهوری اسلامی در پوروشی وحشیانه، سرکوب خلق و نیروهای انقلابی را تشدید کرده است. روزی نیست که چندین تن از بهترین فرزندان خلق به جوخه‌های اعدام سپرده نشوند. روزی نیست که شاهد ترور و کشتار نیروهای انقلابی، خانه گردی و دستگیری مبارزان نباشیم. رژیم دیگر به سرکوب عربان رو آورده است و هر مبارزه‌ای را به شدیدترین صورت سرکوب میکند. کشتار وحشیانه خلق و نیروهای انقلابی اینک دیگر نه فقط در کردستان بلکه در سراسر ایران در کارخانه‌ها و مزارع، در کوچه و خیابان و توسط بیدادگاههای ضد خلقی رژیم ادامه دارد. در چنین شرایطی از سرکوبگری و کشتار بقیه در صفحه ۱۸

رژیم جمهوری اسلامی، دیکتاتوری ارتجاعی یا دموکراسی انقلابی؟

در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- کودتای بی دردسر
- بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته



آنها را با دستهای خونی

بقیه از صفحه ۱

فشار ریتوده های مردم برای شرکت در انتخابات را بکار نگرفته بودند. آنچه که انتخابات اخیراً از تمام انتخابات گذشته رژیم جمهوری اسلامی و برقراری نهاد های آن متمایز می سازد، توسل به شیوه های است برای پیشبرد مقاصد خود بکار گرفته است و درست همین شیوه ها بیا نگر...

بیا اعتباری رژیم و موقعیت سیاسی کاملاً متزلزل آن می باشد. در گذشته یعنی هنگامی که توده های مردم اعتمادی آمیخته به خوش باوری به رژیم داشته و هنوز تصور میکردند که از این ما مزاده معجزه ای ساخته است شعبده بازان جمهوری اسلامی بمنظور دامن زدن به این توهمنات از بنا آگاهی توده ها و کشاندن میلیونها زحمتکش ایرانی بیای صندوقهای رای یکی از ابزار شعبده بازی و فریبکاری خود را بیرون می کشیدند و درست در آستانه انتخابات و رای گیری بسته به شرایط فدا میریالیست - دمکرات و غیره و ذلک می شدند. اما این بار همه پرده های تزویر و ریاکاری شادانان نیم و عوام فریبی را بکنار زده اند و مقدمات برگزاری انتخابات با اعدای بیای بیای بازداشت های دستجمعی، فتوای های خمینی، رژه جماعت داران حزب اللهی در خیابانها، خاتمه گردیدهای گسترده، تهدیدهای پی در پی، آخراهای مدام ... آغاز گشته است. اکنون دیگر برای رژیم مهم نیست که آیا توده ها با میل و رغبت بیای صندوقهای رای کشیده می شوند و یا تحت فشار و اجبار و محیط رعب و وحشت؟ و خود بهتراز هر کسی موقعیت متزلزل خود و بیای یک گاه محدود توده های اش را درک می کند. مهم برای رژیم میزان آرائی است که باید برای نمایش از صندوقهای رای بیرون آورده شود زیرا بیش از هر زمان دیگر در رابطه با موقعیت داخلی و بین المللی خود با این رای محتاج است. رژیم جمهوری اسلامی اکنون بهمان مرحله ای رسیده است که رژیم های دیکتاتور نظامی - فاشیستی آرژانتین، فیلیپین، پاکستان و امثالهم از مدت ها پیش بدان رسیده اند. انتخابات کنونی رژیم جمهوری اسلامی همانند انتخابات قلابی پیشرو در شیلی، مارکوس در فیلیپین و ضیاء در آراء در حمایت از رژیم و رئیس جمهور از صندوقهای رای بیرون آورده شود و این میزان آراء باید مبنای برقراری و تشدید حکومت ترور و اختناق، دیکتاتوری و سرکوب قرار گیرد.

شرایطی که انتخابات در آن برگزار میشود و شیوه هایی که با کمیت بمنظور پیشبرد مقاصد خود دیدان توسل جسته است از بسیاری جهات همان انتخابات قلابی نوع رستاخیزی و پسنوشه ای آنرا بخاطر می آورد.

همه سازمانها و گروههای انقلابی غیر قانونی شده اند. روزنامه ها و نشریات مخالف تعطیل شده اند. شده اند. هرگونه مخالفت با رژیم مجازاتی در حد اعدام دارد. روزی نمی گذرد که تنی چند از انقلابیون ایران اعدام نشوند، هزاران کارگر و روشنفکر دستگیر و در زندان بسر می برند. کارگران و کارمندان مخالف را از کارخانه ها و ادارات اخراج و بازداشت می کنند. دانش آموزان، دانشجویان کارمندان و ... در معرض انواع و اقسام

تهدیدها و بیگریها قرار دارند. حتی کاندیدا های با دوان جیره خوار حکومت نظیر حزب توده و جناح راست اکثریت نیز از مراجع حکومت دمکراته های انقلابی محروم شده اند. در چنین شرایطی است که سران جمهوری اسلامی با تهدید همه را ب شرکت در انتخابات فرامی خوانند. خمینی شرکت در انتخابات را یک وظیفه، شرعی اعلام می کند و اشته جماعت با نحاء مختلف سرپیچی از فرمان خمینی را محاربه با خدا، مخالفت با نائب امام و اسلام میداند و توهنات متعددی را ادا نموده سر نوکت کسانیکه در انتخابات شرکت نکنند سرزبانها انداخته اند. از هم اکنون روشن است که در چنین شرایطی بغرض اینکه بخشی از توده های محروم از تری از دست دادن روزندگی خود و با مجازاتهای احتمالی در انتخابات شرکت کنند و با کمیت و لخوا اینکه با اندازه واجدین شرایط از صندوقهای رای بیرون آورد. این انتخابات با اندازه بگذرد هم بیای نگرانی است و توده ها به کمیت و علاقه آنها ب شرکت در انتخابات و توهنات نسبت به نهاد های پارلمانی رژیم نیست میای رواقعی ارزیابی شرکت توده ها در انتخابات و میزان توهن و اعتماد آنها نسبت به کمیت، همان انتخابات میان دوره ای ماه گذشته است که به تقلیل یافته بود. با قاطعیت میتوان گفت که تنها بورژوازی تجاری بخشهای از خرده بورژوازی مرفه سنتی هواداران احزاب فرصت طلب ساژشکار و نیز قشر محدودی از عقب مانده ترین توده ها نیروهای هستند که از رژیم حمایت می کنند. اما توده وسیع مردم با توجه به تجربیات گذشته خود هیچگونه توهنی نسبت به کمیت و ارگانهای نما بندگی و پارلمانی آن ندارند و ما بهیت ضد خلقی و ضد دمکراتیک رژیم برای بسیاری از توده های مردم افشاء شده است بهر و اگر این انتخابات از دیدگاه سازمانهای انقلابی و مترقی نمیتواند مبنای برای ارزیابی های تازه قرار گیرد، در عوض رژیم جمهوری اسلامی اهداف متعددی را در این انتخابات دنبال می کند. رژیم جمهوری اسلامی در این انتخابات با بیای اعتباری سیاستها و موقعیت مفتضح داخلی و خارجی خود را با دل خوش کردن با آراء قلابی جبران کند. رژیم می کوشد بر اساس این آراء، بمخالفین داخلی و خارجی خود اعلام کند که هنوز از پشتیبانی وسیع توده های مردم برخوردار است. می خواهد و نامردسا زده که به آراء مردم منکاست و برای آنها احترام می گذارد. میخواهد نشان دهد که عزل بنی صدرا از ریاست جمهوری نه نتیجه رقابت لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، نه فرمان خمینی و اارودسته حزب جمهوری اسلامی بلکه با تگه خواست توده های میلیونی طرفدار رژیم صورت گرفته است و کمترین تردیدی نیست که شرکت کنندگان در انتخابات اخیر و میزان آرائی که به رئیس جمهور منتخب مکنی داده می شود اگر بیشتر از میزان آرائی در شرکت کنندگان در انتخابات دوره گذشته نباشد، باید در همان حد باشد و مطمئناً این آراء نیز از صندوقها بیرون کشیده خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی از جنبه دیگر نیز با آراء قلابی نیز زدارد. هر آنچه که میزان آرائی که از صندوقها بیرون آورده شود بیشتر باشد بهمان نسبت رژیم توجیهی برای تشدید حکومت ترور و اختناق، اعدام، زندان و سرکوب خواهد یافت. اگر در اینصورت دمکراسیهای بورژوازی شرکت وسیع مردم در انتخابات با نمانگر توهنات آنها

خراب کردن

بقیه از صفحه ۲۰

و درست در چنین شرایطی است که ما مورین رژیم برای قطع برق مناطق فقیرترین که به زعم رژیم از برق غیر قانونی استفاده میکنند، گسیل میشوند و در یک نمونه (تفت آباد - جاده سابه) ما مورین برق با تفاق رئیس بازرسی و یک با سدا بر سر قطع برق خانه ها میروند اما در اینجا با مقاومت مردم روبرو میشوند که در این اثناء عده ای با سدا سر میروند و درگیری بین مردم و با سدا را بوجود می آید. با سدا را ن میادرت به شلیک هوایی میکنند ولی مردم که اکثر "زبان بودند" آنها را محاربه میکنند. با لآخره با سدا را ن مجبور به عقب نشینی شده و تنها وقتی که قول میدهند برق اهالی را قطع نکنند مردم گروگانها را آزاد میکنند. یک صحنه جالب در این ماجرا این بود که زنی زحمتکش در حالی که چوب خود را با لگرتی بود میگفت: "دفعه دیگه اگر سرگردید با این چوب سروکار دارید. خمینی بکار گرفت برق ما تابه، حالام با پدیا ی گفته اش با یستد."

رژیم سفاک و جنا بکار جمهوری اسلامی که در اعمال جنا پتیا ر خود دست ضد خلقی ترین رژیمها را از پشت بسته است و اعمال جنا پتکارانه اش نشانگر ما هیت اوست در سیاست های ما کیا و لیبی و موزورانه اش موزورترین و دروغگو ترین رژیمها را از پشت بسته است. آنها در حالی که با آلونک نشینها، دهکده داران ما چنین با قساوت و بیرحمی رفتار میکنند برای آلونک نشین های آلمانی که میادرت به اشغال آنها رتما نهیای شروتمندان کرده اند اشک تصماح میریزند! آنها در حالیکه کمترین حق و حقوقی برای زندانیان سیاسی ایران قائل نیستند و هیچگونه معیار ریوا برای مهاگه واد درسی در نظر نمی گیرند و دختران و پسران سیزده و چهارده ساله را برخلاف تمام موازین بین المللی و بشری پس از اذاعت از بازداشت آنها میگردد



اخباری از صنعت نفت

موفقیت کارکنان پالایشگاهها در احقاق حقوق خویش

هیات سرپرستان شرکت ملی نفت در یکم و هفتاد و هفتمین جلسه خود موافقت نمود که فوق العاده نوبتکاری در محاسبه حقوق مربوط به مرخصی استحقاقی کارمندان منظور گردد.

مبارزه کارکنان پالایشگاهها برای دریافت فوق العاده نوبتکاری در زمان مرخصی مدتها بود جریان داشته اما شرکت نفت از پرداخت آن سر باز میزد. کارکنان پالایشگاهها، بخصوص پالایشگاه شیراز برای این خواست با فشاری میکردند، تا اینکه درست قبل از اعتصاب غذای کارکنان پالایشگاه شیراز اطلاعیه ای از سوی عبدالعلی کرانما به سرپرستان مورپا لایش منتشر شد که در آن اعلام شده بود، هیات سرپرستان شرکت ملی نفت موافقت کرده است که حقوق فوق العاده نوبتکاری در محاسبه حقوق مربوط به مرخصی استحقاقی کارمندان منظور گردد مشروط بر اینکه کارمندان ششماه قبل از اعزام به مرخصی بطور نوبتکاری انجام وظیفه کرده باشند. بدین ترتیب مسئولین وزارت نفت در مقابل مبارزات کارکنان مجبور به عقب نشینی شدند.

لاوان

در تاریخ ۴/۱/۶۰ کارکنان جزیره هنگام ورود به رستوران کارمندان متوجه شدند که کلیه عکسهای رستوران بجز عکس آقای طالقانی از دیوار پائین

آورده شده و بر دیوارهای رستوران شعارهای گوناگون نوشته اند. از آنجمله نوشته شده بود "نفت ما در کنجند، پول آنرا اسلحه میخرند و جوانان را می کشند." این مسئله با عصبانیت عکس العمل شدیداً کمیت و ارگانهای آن در جزیره شد و چند روزی محیط رعب و وحشت بر جزیره سایه افکند. در رابطه با این جریان اعلامیه های از سوی جهاد سازندگی لاوان، انجمن اسلامی شرکت نفت فلات قاره ایران - جزیره لاوان و گروهی از کارکنان مسلمان شرکت نفت فلات قاره ایران - منطقه لاوان (که همانا نجمی ها هستند) منتشر شده که هر کدام بنوبه خود این حرکت را محکوم کرده و خواستار بی گسری و تهران : تهران

پالایشگاه تهران در هفته های گذشته شاهد دستگیری تعدادی از کارکنان این پالایشگاه بخصوص نمایندگان شورایی بوده است. در این رابطه شورای عملیات پالایش طی جلسه ای در تاریخ ۱۷/۴/۶۰ به تشکیل یک کمیته بی گسری متشکل از سه نفر کارکنان این پالایشگاه به آنها مسئولیت داده است. چریکها دستگیری و علت آنرا با مراجعه به مقامات مسئول روشن نموده و نتیجه را به اطلاع همکاران خود برسانند. همچنین در این جلسه تصریح شده است که هرگونه تشبیه ساعات کار و رپا نقل و انتقالات افراد در سطح عملیات پالایش بیاید با دخلت و نظارت شور صورت گیرد و تصمیم گیریهای فردی مورد تأیید نخواهد بود.

مبارزه کارگران برق و آگنها علیه سیاستهای انجمن اسلامی

کارگران آگاه و مبارز صنعت برق و تهویه و آگنها (راه آهن) با اتحاد انقلابی خویش توطئه های ضد کارگری و ارتجاعی انجمن اسلامی را برای انحلال شورا به شکست کشانده و با حفظ شورای خویش مشت محکمی به دهان این مزدوران سرمایه کوبیدند.

همزمان با یورش دهمنشان حزب جمهوری اسلامی برای سرکوب آزادیهای سیاسی و برقراری جو خفقان، انجمن اسلامی راه آهن تلاش خود را برای انحلال شورای واقعی و انقلابی شدت بخشید. آنها کوشیدند با بیانه های چون اسلامی نبودن شورا و... غیره کارگران را فریب داده و با جمع آوری امضا شورا را منحل نمایند. اما کارگران با آگاهی به این توطئه کشف در برابر آن ایستاد و از امضاء کردنداری کردند. آنگاه سعی کردند با سم پاشی بر علیه نمایندگان شورا و با برنامهریزی در جلسه مجمع عمومی شورا را منحل نمایند.

روز ۲۴ شنبه ۴/۱۶ مطابق معمول دو هفته یکبار جلسه مجمع عمومی برگزار گردید. در ابتدای جلسه کارگران با شناخت نسبت به اقدامات فدا انقلابی و وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در اعاد مهای غیرانسانی کارگران و زحمتکشان آگاه و انقلابی و در اعتراض به این اعمال، بیاد برادریکی از کارگران که به تازگی بوسیله رژیم اعدام شده، یک دقیقه

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

در پی سرکوب وحشیانه و همه جانبه حزب جمهوری اسلامی که افت موفقی در مبارزات کارگران را بدنبال داشت، اکنون پس از یک مدت کوتاه جرقه های اعتراض و حرکت جمعی کارگران آغاز شده و میروند تا به آتش مهیب تشبیه میگردند. و طومار رنگین سرما به داران رژیم حامی ایشان را در خود بسوزاند. اخبار کوتاه زیر نشاندهنده این نمونه هاست.

تولیدارو

روز دوشنبه ۴/۲۳/۶۰ کارگران یکی از سالنهای چک (۳۰۰) بعلت گرمای شدید دست به اعتصاب میزنند. اما بعلت نبودن رئیس بخش تصمیم می گیرند که روز بعد مبارزه شان را ادامه دهند. صبح سه شنبه اول وقت آنها دست از کار کشیده و متحداً جلوی دفتر رئیس جمع میشوند. آنها تفرقه اندازی نیروی سا زنگار را خنثی کرده و خواستار کولتر برای قسمت شده و خواهان آمدن رئیس بخش به جمعیتان میگردند. رئیس بخش وحشت زده از جمع کارگران ابتدا پیام میفرستد که با کسی کاری ندارم اما در مقابل پایداری کارگران به حیلای دیگر متوسل میشود. او عوامش طرح می کنند که از نظرفنی و بهداشتی امکان گذاشتن کولترینست را ما کارگران متحداً در اجرای خواستشان با فشاری کرده و اعضای انجمن و جاسوسان را افساء می کنند. مقاومت و مبارزه کارگران مسئولین را به عقب زده می نشاند و آنها بالاخره قول میدهند که خواست کارگران را اجراء نمایند. کارگران تصمیم دارند که اگر تا ده روز کولترینست نشود با دیگر دست به اعتصاب بزنند.

پارس الکتریک

بدنبال دستگیری کارگران کارخانه تهران در هفته قبل روز شنبه ۴/۱۳ افراد انجمن اسلامی کارخانه کرج با یک توطئه حساب شده نزد نمایندگان شورا رفته و خواستار اخراج و دستگیری عناصر فدا انقلاب میشوند. آنها سپس در حمایت سپاه پاسداران به قسمتهای مختلف کارخانه رفته و تک تک کارگران و بقیه در صفحه ۴

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

تفر و خشم زحمتکشان در برابر اعدای رژیم!

ویژه وقایع اخیر (۴) سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه گیلان چهارشنبه ۱۷ شهریماه ۱۳۶۰

تنگابن

در سحرگاه ۶۰/۴/۷ خون پاک آذین از انقلابیون کمونیست بدست آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شد. اعدای جنایتکارانته از هواداران (چریکهای فدائی خلق) و یک نفر از هواداران سازمان ما تنگابن را نسبت به رژیم عمیقتر کردند. پاسداران سرما به اجساد انقلابیون را به بیمارستان تنگابن انتقال میدهند. وبه خانواده های شهدا میگویند که برای تحویل اجساد به بیمارستان بروند. -

وقتی خانواده شهدا به بیمارستان می روند جمعیت زیادی نیز آنها را همراهی می کردند. هر دم بر تعداد حاضرین افزوده می شد. تنگابن را از رژیم سرکوبی و خلیقی جمهوری اسلامی سرپای مردم آفر گرفته بود. آنها به داخل بیمارستان رفته و اجساد را تحویل می گیرند. بهنگام حمل شهدا دیگر کسی را برای جلوگیری از اجساد انقلابی مردم را نبود. آنها در حالیکه شعارهای بی دریغی بر علیه نظام جمهوری اسلامی می دادند از بیمارستان خارج می شوند. اما آدمکشان و مزدوران جیره خوار رژیم ما نند همیشه ما هیت واقعی خود را نشان دادند.

پاسداران از دیدن مردم انقلابی و خشمگین به وحشت افتاده و به تیراندازی هوایی میپردازند. آنها بدون توجه به محیط بیمارستان و وحشیانه شلیک کرده و حتی راهروهای بیمارستان نیز از گلوله پاسداران درآمان نماند. - جلادان چون میدانستند اگر اجساد شهدا به داخل شهر منتقل شود امکان نظر هرات عمومی می رود تصمیم میگیرند با تهدید و تیراندازی اجساد را از خانواده شهدا و مردم با زمین بگیرند. آنها اجساد را به نقطه نامعلومی برده و دفن می کنند.

وحشیگری پاسداران بیگونه ای بود که یکی از افراد بسیج با مشاهده آن به گریه افتاده و می گفت: اگر جمهوری اسلامی این است مرگ برایشان و... " وقتی پرستاری که در مقابل بیمارستان است، به پاسداری میگوید: تیراندازی نکن چون بیماران قلبی در طبقه بالا خوابیده " پاسدار با فحشهای رکیک به وی جواب میدهد: "حرف بزنی مغزتو را با گلوله داغان میکنم. بهنگامی که آنها اجساد را به داخل آمبولانس حمل می کردند یکی از پاسداران گفت: تا به مردم میگویند: ناراحت نباشید، امشب ۷ نفر دیگر را تحویلتان میدهیم."

آری این است ما هیت واقعی پاسداران انقلاب اسلامی. رژیمی که تا این حد به فساد و وحشیگری و گندیدگی آلوده شده باشد، باید هم که پاسدارانی، بدینگونه را به جان مردم بیاندازد.

رودبار

کارگران مبارز کارخانه کفش ملی به همراه کارگران مبارز کارخانه کفش گنجه رودبار برای تحقق خواسته -

های خود دست از کار کشیدند. کارگران کفش ملی خواهان تعطیلی پنجشنبه ها (۴۰ ساعت کار در هفته) میباشند و همین خاطر در روز ۴/۱۱ دست از کار کشیدند. این حرکت از جانب کارگران کفش گنجه مورد پشتیبانی قرار میگردد و آنها نیز دست از کار میکشند. با اعتراض کارگران شکوری مدیرعامل کارخانه کفش ملی جبور می شود در جمع کارگران حضور یابد و با تهدید از کارگران میخواهد که پنجشنبه ها را هم به سرکار خود بروند و اگر نه در مقابلشان ایستادگی خواهد کرد. اما کارگران بسی توجه به تهدیدات وی همچنان مصمم بر خواسته های شان با فشاری می کنند. شکوری به کارگران میگوید در صورت نرفتن به سرکار به پاسداران (سرما به) متوسل می شوم. او پاسداران را به کارخانه فرا می خواند.

پاسداران از کارگران می خواهند که به سرکار خویش حاضر شوند. در مقابل کارگران نیز خواسته های شان را مطرح میکنند. اما پاسداران که ما موریتی جز سرکوب کارگران و دفاع از منافع سرمایه داران ندارند تصمیم میگیرند برای پایا ن دادن به حرکت انقلابی کارگران چند نفر از کارگران را دستگیر کنند. کارگران را در برابر دفاع و ستان کارگر خود در مقابل پاسداران سرکوبگر ایستادگی و مقاومت میکنند. پاسداران نیز با مشاهده خشم و اتحاد کارگران وحشت کرده و به تیراندازی هوایی میپردازند اما با زمو فف نمی شوند. در مقابل اتحاد کارگران کارهای زپیش بریند و مجبور به عقب نشینی شده و از کارخانه خارج می شوند.

پس از آن کارگران با شعارهای انقلابی در سرکارهای خود حاضر شده و تصمیم میگیرند که از این پس را "مستقلا" پنجشنبه ها را تعطیل کنند.

برن گرز (رضوان شهر)

در نیمه شب ۶۰/۴/۱۲ عیاسداران سرکوبگر حکومت برای دستگیری چند تن از هواداران مبارزین خلق خانه ای را در برن گرز محاصره کرده و شروع به تیراندازی هوایی می کنند سپس داخل خانه رفته و چند نفر را دستگیر میکنند بر اثر تیراندازی، اهالی محل هراسان از خانه های خود بیرون آمده و با خشم و تنفر طرف پاسداران ضد خلقی یورش می برند. در همین هنگام پاسداران قصد با زنی منزل شخص ۴۰ ساله ای را داشتند که با مقاومت سر سختانه مواجه می شوند آنها بطرف پیرمرد مذکور تیراندازی می کنند که در نتیجه و در خون میبلند و نقش زمین می شود. نیروهای انقلابی از همین فرصت استفاده کرده و با کمک بسی دروغ مردم محل با وجودیکه دستها -

یشان دستبند زده بودند فرار می نمایند که در حین فرار پاسداران را درگیر می شوند و بر اثر شکتش بین آنها تیری از - اسلحه پاسدار شلیک شده و وی را مجروح می کند. این درگیری تا ساعت ۳/۳۰ بمداد ادامه مییابد. در رابطه با این درگیری همکاران اکثریتها خواست با پاسداران بر سر زبانها افتاده است و مردم منطقه شدت از خیانت اکثریتها را ست منتفر میباشند تا جاییکه به خانه یک اکثریتی مشکوک حمله می کنند و قصد تخریب آنرا داشتند و ما حجاجه را تهدید به ترک محل کردند.

اخبار کوتاه کارگری

پارس الکتریک

پایه از کارگران میگوید: "من پای این ورقه را امضاء نمی کنم چون همکارانی که منظور آنهاست اگر هم بیکار نشوند برایشان مهم نیست. چون آنقدر دارند که میتوان آنها را خوش بگذرانند. امثال ما کارگران هستند که نمیتوانند خرج خانواده شان را بدهند. با این ترتیب با مخالفت یکپارچه کارگران، متن نوشته عوض شد و در آن کارگران خواستار آزادی کلیه همکاران خود شدند.

کارخانجات مهمات سازی

در تاریخ ۶۰/۴/۱۷ بین یکی از کارگران با یکی از حزب الهی ها اختلاف پیش می آید. حزب الهی ها پاسداران را خبر می کنند با سازان برای دستگیری کارگر به قسمت می آیند. کارگران قسمت با دستگیری کارگر مجبور مخالفت می کنند آنها عملا دست از کار کشیدند و خواستار آزادی همکاران میشوند اما از مزبور سعی در فریب دادن کارگران میکنند و به آنها وعده میدهند که همکاران تا عصر آزاد خواهند شد. کارگران بر روی آزادی همکاران شان با فشار می کشند. بالاخره تحت فشار کارگران مجبور میشوند کارگر فوق را به زودی آزاد کنند.

مقابله کارکنان پنهان با سرکوب

اخیرا "در شرکت پنهان بدنام اعدام خواهد شو هر خواهر یکی از کارمندان عده ای از کارکنان این شرکت بی توجه به جو اخفافی و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در مراسمی که برای بزرگداشت این شهدا برگزار شده بود شرکت کردند. عمال ارتجاع که انتظار چنین حرکتی را از جانب شرکت به ارتش رانداشتند از این حرکت به خشم آمده و اقدام به دستگیری ۴ تن از کارکنان شرکت نمودند و یکی دیگر از همکاران را با قفسه مجروح نموده و دستگیر کردند لیکن فرد مجروح تحت فشار زندانی از زندان آزاد و به بیمارستان ارتش منتقل شد.

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری

در سال گذشته

ذهنیت حاکم بر طبقه کارگر:

تنها نگا هی گذرا به وضعیت جنبش طبقه کارگر، سطح آن، اشکال مبارزه، تعمیق مبارزات و... خود به روشترین وجه ذهنیت طبقه کارگر را نشان میدهد. در واقع این نگاه گذرا بروشنی نشان میدهد که پروولتاریا از قیام تاکنون با سیری فزاینده از حاکمیت در مجموع فاصله گرفته و تا حد زیادی از بنده توهما ت رها گشته است. مجموعه تحولات سریع سیاسی اجتماعی در این دوران، گشایش انقلاب و ضد انقلاب، مبارزات گسترده پروولتاریا و تجارب ناشی از آن، فعالیت وسیع نیروهای انقلابی و کمونیست بمتابعه عواملی موثر در تحول ذهنیت طبقه نقش داشته اند.

اما آنچه که در رابطه با تحول ذهنیت طبقه کارگر در یکسال گذشته بعینه دیده میشود، تسریع این پروسه بطرز بسیار چشمگیری بود. این پروسه ما هیت رژیم جمهوری اسلامی بوده است. آزادی جاسوسان آمریکا، و روشن شدن نتایج مبارزه با سلاح ضد میریالیستی در عمل، بکار رفتن مجلس و شکل گیری ارگانهای حکومتی که سران رژیم از ابتدا بهیود شرایط را بدان موکسول میکردند، وقوع جنک و ظا هر شدن نتایج فلاکت بار آن، سرکوب گسترده توده های سوی رژیم، رشد جنبش توده های در نقاط مختلف کشور و... همه و همه در این تحول سهم داشته اند. بدینسان میتوان بجزرات ادعا کرد که جز در مقاطعی کوتاه مدت نظیر اوامه طبس و یا جنک توده کارگران در مجموع به فاصله شان با حاکمیت در ذهنشان افزوده اند.

اما بی شک این امر در مورد جناحهای مختلف حکومت به یکسان مصداق ندارد. جناح حزب جمهوری اسلامی بنا به نقش فاشش در ارگانهای سیاسی حاکمیت، عملکردهای ارتجاعی آن از به اصطلاح انقلابیات فرهنگیش در جا معمه و کارخانجات، نتوانیش در سال زمان دادن اموراقتصادی و سیاسی و سرکوب اجسام گسیخته توده ها، تا براه اندازی فالانژها و باندهای سپاه، بعلاوه نقش ضد میکرا تیک و ضد کارگری انجمنهای اسلامی وابسته بدان در کارخانجات و افشاگری انقلابیون و... غیره و در نهایت بشکل فرعی تبلیغات لیبرالها علیه آن بیش از همه مورد تهنرت بوده ها قرا ر گرفته است.

بخشی از لیبرالها منجمله یازگان با توجه به تجربه عملی توده ها و اساسا عملکرد آنها در ذهنیت طبقه کارگر پیدا رند، اما توده کارگران به جوهر طبقه تالیبرالیسم هنوز آگاهی نیافته اند. چرا که زمانی در مقابل بنی مدرن و شمار "شورایی شورا" و "قراری میک برند، اما با او جکیوری تضادهای حاکمیت و اتخاذ موضع اپوزیسیون از سوی وی بخصوص پس از ۱۷ شهریور توهم کارگران را برمی انگیزد.

بقیه در صفحه ۶

در قسمتی از صنایع ماشین سازی از جمله در کارخانجات جنرال موتورز، گروه صنعتی سایپا، بنزخا و رو... مشاهده کرد.

بعکس در بخشهایی از صنایع دولتی که نقش حیاتی و استراتژیک دارا هستند، دولت در برابر مبارزات کارگران خیلی سریعتر از صنایع دیگر عقب نشینی داشته است. این امر را میتوان در نفت، صنایع دفاع ویا... بعینه دید. بدین ترتیب دولت سعی داشته بوسیله امتیازات و انجام ظرفیتهای سطحی مانع تحرك مبارزاتی کارگران این بخش و اعتلا مبارزاتشان گردد.

در بخش صنایع خصوصی بجزرات میتوان گفت که در صد تولید بدلیل وجود تضاد برای کالاهای این بخش و با زرفروش با در سطح گذشته باقی مانده و یا حتی سیرافزایش یافته داشته است. در این رابطه کارگران این بخش از تحسرن مبارزاتی بالاتری برخوردار بوده اند لیکن سودهی بالائی این بخش عقب نشینی سرمایه داران را در برابر سر مبارزات کارگران سبب گشته است. از جمله در کارخانجاتی چون فیلیور، پوتان پلاستی، پان، درخشان، پیمان اصفهان، پریش و... این وضع مشاهده میشود.

علاوه بر این عوامل عینی، فاکتورهای ذهنی نیز مشخما "در مبارزات کارگران نقش داشته اند. از جمله میزان تجربه مبارزاتی، سن مبارزاتی، سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی و نیز سطح تشکلی کارگران، حضور یا عدم حضور پیشروان و جریانهای سیاسی نقش موثری در مبارزات کارگران سمهده دارد. در دیون کارخانجات مختلف میتوان تا شرایین عوامل را در اشکال مبارزات، پیگیر بودن، وجود تشکلی و... بخوبی مشاهده نمود، اما از این زاویه بررسی مبارزات طبقه کارگر ایران تکامل ناموزون مبارزه طبقاتی را در مناطق گوناگون صنعتی کشور نیز مشخص سازد. بدین ترتیب در هر یک از مناطق صنعتی بنا به قدمت وجود کارخانجات در آنجا، تعداد کارگران و رابطه و نزدیکی آنها با روستا و تا شیران در ذهنیتشان، جوان و یا قدیمی بودن از لحاظ میزان تجربه مبارزاتی، نوع تولید و تکنولوژی به کار گرفته شده و... مبارزات کارگران از پتانسیل و توانمندی متفاوتی برخوردار است. مثلا "بطور عسادی

مبارزات کارگران در مناطق جنوب کشور چون آبادان و اهواز و سپس در تهران یا تبریز از توانمندی و افزایش یافته ای برخوردار است، که در پی آن مبارزات کارگران سایر مناطق چون کیسلان، قزوین و غیره قرا ر میگیرد.

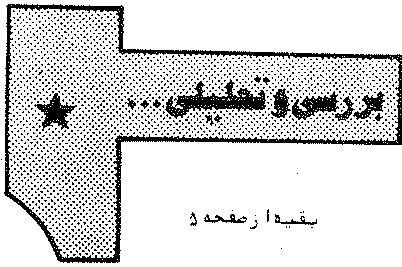
مادر شماره های گذشته "کار جنبش طبقه کارگر ایران را در یکسال گذشته بطور اجمالی بررسی نمودیم. اکنون میگوئیم به برخی از جنبه های این جنبش پرداخته و انرا دقیقتر مورد ارزیابی قرار دهیم.

فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر

هر چند بررسی عمومی جنبش کارگری در کلیت خویش مبارزات فزاینده پروولتاریای ایران را نشان میدهد، اما بدون شک بخشهایی از طبقه کارگر در این دوره از تحرك مبارزاتی بیشتری نسبت به سایر بخشها برخوردار بوده است. در یک بازنگری کلی میتوان گفت که تحولات سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی همهم و تا شیریسانی در مبارزات طبقه کارگر دارد. از جمله در مقاطعی نظیر سفارت و جنک... میتوان این تاثیر را در افت و یا تغییر حرکت نیروهای طبقه مشاهده کرد. در دوره گذشته وقوع جنک تا عادلانه بین دولتتهای ایران و عراق بیشترین تاثیر را بر مبارزات کارگران بجای گذاشت. از شوئی افت سنگین اما کوتاه مدتی بر حرکت کل طبقه کارگر بوجود آورد و از تحرك مبارزات سیاسی کارگران بشدت کاست. و از سوی دیگر از کار افتادن بخش عمده ای از صنایع کشور در منطقه جنوب که یکی از قطبهای مهم صنعتی است، بر حرکت بخشی از طبقه کارگر میهمان اثرات مهمی به جای گذاشت. بدین ترتیب که حرکت مبارزاتی پروولتاریای جنوب که از پتانسیل مبارزاتی بالائی برخوردار است، ابتدا افت نموده و سپس همراه با خیل زحمتکشان آواره مناطق جنگلی عدتا "برای تحقق" بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان "تفسیر سمت داد.

همچنین وجود بحران شدید اقتصادی که به در هم ریختگی صنایع کشور منجر شده، روند تولید را در بخشهایی از صنایع بدلیل کمبود مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت و... که خود نتیجه ساخت وابسته صنایع ایران است، متوقف و یا بشدت کاهش داده است. در بخشی از صنایع دولتی توقف و یا کاهش تولید بیش از سایر بخشها وجود داشته است. این امر بعلاوه وجود ارتش عظیم ذخیره صنعتی یا خیل بیکاران که ناشی از متوقف ماندن پروژه های صنعتی، ساختنای، کشت و صنعت ها و... میباشند، خطر بیکاری را در این بخش از صنایع بسیار محتمل می نماید. بعینین دلیل ترس دائمی از دست دادن کار و مواجهه با فقر و گرسنگی عامل با زدارنده ای در تحرك مبارزاتی این بخش از کارگران محسوب میگردد. چنین وضعی را میتوان

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۵

خود را از قید ایدئولوژی بورژوازی رها سازد. تنها تلاش پیگیر و همه جانبه نیروهای کمونیست در پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودیپوی پرولتاریا میتوانستند این امر را انجام رسانند. چرا که بقول لنین: "اگر غلبه یافته میشود که طبقه کارگر بطور خودبخودی بحاجت سوسیالیسم میروید این نکته بدان مفهوم حقیقت دارد که نظریه سوسیالیسم علل تیره ریزی طبقه کارگر را زودتر و درستتر از هر نظریه دیگری آشکارا ساخته و از اینروست که کارگران به سهولت قادر به جذب آن هستند اما بشرط اینکه این نظریه به دستخوش خودبخودی نگردد، بشرط اینکه خودبخودی را تابع خود سازد. این درست است که طبقه کارگر بطور خودبخودی بحاجت سوسیالیسم کشیده میشود، بسا اینهمه ایدئولوژی بورژوازی که بیشتر از همه متداول شده است (و همواره در شکلهای بسیار گوناگون تجدید زندگی میکند) بطور خودبخودی و بدرجات بیشتر خود را بر طبقه کارگر تحمیل مینماید."

بدینسان در یک جمعیتی کلی میتوان گفت که جنبش خودبخودی طبقه کارگر میهنمان در یکسال گذشته در مجموع نتایج ملایم یافته است. این جنبش با ارتقاء آگاهی خواستها، تجارب اشکال مبارزاتی، قدرتمندتر از پیش وارد میدان مبارزات میگردد. در اینجا لازم است در مورد "خودبخودی" بودن جنبش نیز توضیح مختصری بدهیم. اطلاق لفظ خودبخودی "بر جنبش کارگری در حال جریان برای مجزا نمودن آن از مبارزه طبقاتی آگاهانه پرولتاریا میباشد. بدلیل سطح نازل مبارزه آگاهانه کارگران که ناشی از عدم پیوند کافی بین سوسیالیسم و جنبش کارگری است در واقع جنبش کارگری "خودبخودی" میباشد. لنین در توضیح این امر متذکر میشود که: "ما پیوسته نیاز فزایندهای برای پیوند سوسیالیسم به جنبش طبقه کارگر در یک جنبش واحد سوسیالیست دیمکراتیک مشاهده می کنیم. زمانی که"

این پیوند وقوع پیوندد مبارزه طبقاتی کارگران شکل مبارزه آگاهانه پرولتاریا را برای رهائی از استعمار طبقات مالک بخود میگیرد، و به شکل عالیتری از جنبش سوسیالیستی کارگران - حزب مستقل سوسیالیست دیمکراتیک طبقه کارگر تکامل می یابد."

اما اینکه ما جنبش کارگری را در سال گذشته خودبخودی می نامیم، به هیچ وجه بدین مفهوم نیست که این جنبش با سال قبل از آن وقیل از قیام تفاوتی ندارد. لنین در توضیح این مفهوم و در مقابل به جنبش کارگری روسیه در سالهای هفتاد و نود در دوران جنبش خودبخودی می نامید، ولی تفاوت آنها را چنین بیان میگرداند: "لیکن حرکات خودبخودی با هم فرق دارند. در سالهای هفتاد و نود در سالهای شصت (و حتی در نیمه اول دهه ۱۹) هم در روسیه اعتصابات یاری

این جریان پس از جنگ سیربافست و خیزهای همچنان ادامه یافته و پس از جریان ۱۴ اسفند به بالاترین حد خود رسیده. البته موضعگیری باره آزادیخواهی انقلابی نظیر ما همین در این امر بی تاثیر نبوده است. اما تذکر دو نکته در اینجا لازم است نخست اینکه توده کارگران زمانی خود را به بنی صدر نزدیک می بینند که وی به نهانجام علییه حزب بر خیزد، وظیفه سازشهای او شدیداً "اورا به زیر ستوال میکشند، و دیگر اینکه بسیاری از کارگران در مقابل حزب از بنی صدر دفاع می نمایند ولی اسیدی به یهودی وضعیتشان بسویله وی همندارند، و در واقع فقدان یک آلترنا تیوا انقلابی و قدرتمند آنها را به آنسو میکشاند."

اما آنچه یکسال گذشته در ذهنیت طبقه کارگر در حرکات او بسویزه چشمگیر بوده است، رشد و تکامل دیمکراتیسم در میان پرولتاریا میباشد. در مقطع اردیبهشت ۱۵۹ گرسکوب دانشجویان انقلابی و سازنده ای دیمکراتیک مورد مخالفت جدی توده کارگران قرار نمیگیرد، اما بتدریج با گسترده تر شدن دامنه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و بر ملا شدن نیت اصلی آن حمایت ضمنی و گاه حمایت مستقیم و آشکار از حرکات انقلابی دانشجویان در میان طبقه نمودار میگردد، مخالفت جدی توده کارگران با اقدامات ضد دیمکراتیک انجمنهای اسلامی در کارخانجات و مبارزه آنها برای حقوق دیمکراتیک در کارخانه ها خود جلوه ای دیگر از این امر است. همچنین حمایت توده ها از جنبش خلقها و جنبشهای تشوهدای و شرکتشان در آنها در نقاط مختلف کشور، مخالفت جدی با سرکوب، جفا قفسداری، بازتاب وسیع مسئله شکنجه زندانیان سیاسی - انقلابی در میان توده کارگران حمایت آنها از زحمتکشان خارج محدوده و تنفرتان از سرکوب آنها در شیران - تبریز و... خود بیداری طبقه و مبارزه اش برای دیمکراسی را گواهی میدهد.

از طرف دیگر در این دوره از مبارزات با نطفه نگرش کارگران، به خود بهمانه یک طبقه مواجه میگردد. مبارزات بازتاب و انعکاس سریع و وسیع مبارزات و اعتصاب کارگران یک کارخانه در منطقه و در کل طبقه و حمایت و پشتیبانی از این مبارزات از سوی توده کارگران خود نشانگر این امر است. در دوره پس از جنگ بازتاب وسیع سرکوب کارگران شرکت واحد و کفش ملی در میان طبقه و اظهار حمایت و همدردی نمونه های از این مورد است.

در یکسال گذشته حمایت تشوهد کارگران از حرکت سازمانهای انقلابی و مبارزات انقلابی بیش از گذشته چشم میخورد. بدین ترتیب بحرات میت سوان گفت که گرایش به سمت نیروهای انقلابی و کمونیست از سوی توده کارگران بسیر صعودی داشته، رهنمودهای کمونیستها در مورد مبارزات کارگران در کارخانه ها از سوی آنها بکار گرفته شده، کارگران پیشرو در مبارزات نقش عمده تری پیدا نموده اند. بطور خلاصه برویه تحول و تکامل ذهنی کارگران از "غلب مانده" به "میانی" و سپس به "پیشرو" از شکوفائی برخوردار بوده است.

بدینسان طبقه کارگر با تکامل ذهنی و آگاهی خویش در سال گذشته استوارتر میبارزه با سرمایه دستان برمی خیزد. اما خط است هر آن فکر کنیم که طبقه کارگر بطور خودبخودی میتواند

داده که تخریب "خودبخودی" ما شینها و غیره را همراه داشت، اعتصابات تملکهای نودر آنست به این "اعتصابات جنبشی" میتوان آگاهانه نامید. گامی که جنبش کارگری طی این مدت به جلو برداشته تا ایندرجه عظیم است. این امر نشان میدهد که عنصر "خودبخودی" در واقع شکل جنبشی آگاهی است. بسا چنین توضیحی بررسی و تحلیل جنبش کارگری ایران به اشکات میرساند که این جنبش گامهای عظیمی به جلو برداشته است. ارتقاء آگاهی کارگران، عامل اعتراض آگاهانه در مبارزات، مبارزات وسیع اقتصادی که در ادامه شان به مبارزه سیاسی گذر میکنند، مبارزات و مطالبات دیمکراتیک در زمینه سیاسی، پیش بردن توأم مبارزه اقتصادی و سیاسی، کوشش برای جایگزینی نظم نوین تولیدی در کارخانجات برشود دیمکراتیسم در میان طبقه و درها مورد دیگر خود گواهی بر گسترش مبارزه کارگران در سطح و در عمق میباشد.

اما مورد دیگری نیز کسکه در مبارزات کارگران میباید جمع بندی نمود ثابت قدمتر گشتن آنها در مبارزات است. بدین ترتیب که توا اعتراضات و فاصله بین دو اعتصاب در یک کارخانه کوتاهتر از پیش شده و زمان اعتصابات طولانیتر از گذشته گشته است. عبارتی دیگر مبارزاتی کارگران از مبارزات موقت و زودگذر، به مبارزه دائم و ثابت استوار گذر کرده است. بدینوسیله مبارزات کارگران از نظر زمانی تدوام یافته، بر سیریک خواست مشخص چون سود ویژه و مدتها طولانی مبارزه ادامه یافته و در عمق پیگیری آن جریانی پیدا شد. اینها تمام نشانه های از تکامل جنبش کارگری در مجموعه خویش است. وسعت و عمق جنبش کارگری، بیداری توده ها و مقابله ای امان آنها با بورژوازی، تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی، ارتقاء تجارب و آگاهی کارگران در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، بحران عمیق اقتصادی و سیاسی، علاقمندی و شوق کارگران در یک آگاهی سیاسی طبقه و... همه وظایف بس سنگین بسیر دوش جنبش کمونیستی ایران قرار میدهد. وظایفی که با تمام سنگینی خویش و با تمام ضعفها، نا توانیها و پراکندگیهای حاکم بر جنبش کمونیستی پاسخگوئی بدانها ضرورتی روزافزون می یابد. هرگونه عدم سنگینی برای پاسخگوئی بدین نیازها تکامل جنبش کارگری - کمونیستی و مبارزه سوسیالیستی با فعالیت آگاهانه طبقه کارگر را به تاخیر انداخته و بهای بس گزافی برای جبران آن با بد پرداخت. پس این رهنمودها را در راه ما قرار داده و با تمام توان برای تحقق آن بکوشیم!

پس دست بکار شویم، رفقا! اوقات گرانبهارا تلف نکنیم! در مقابل سوسیال دیمکراتهای روس بس برای بر آوردن احتیاجات پرولتاریا که از خواب بیدار میشود، برای متشکل کردن جنبش کارگری، برای تقویت گروههای انقلابی و ارتباط متقابل آنها، برای تامین کارگران از لحاظ مطبوعات ترویجی و تبلیغاتی و برای جمع کردن محافل کارگری و گروههای سوسیال دیمکرات که در اطراف واکتاف روسیه پراکنده اند در یک حزب کارگری سوسیال دیمکرات یک دنیا کار وجود دارد!" (پایان)

رهبری طبقه کارگرو ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دیمکراتیک خلقهای ایران است



دیکتاتوری ارتجاعی یا دموکراسی انقلابی؟!

"مسائل تئوریک تنها با پیشرفت مبارزه طبقاتی قابل حل اند. اینک پیشرفت مبارزه طبقاتی در ایران بطلان نظریات رهبران اکثریتی های راست را درباره قدرت حاکمه با قدرت غیرقابل مقاومتی، اثبات می کند. ما به رفقای صادقی که هنوز بدنبال این سیاست ها روانند هشدار میدهیم که به سرعت این سیاست ها را طرد نمایند زیرا در غیر این صورت نسل های انقلابی آینده در بهترین حالت عمل آنها را خیانت نا آگاهانه به طبقه کارگر و خلقهای زحمتکش ایران محسوب خواهند کرد."

پیش از یکسال است که از جدایی بین ما و اکثریت های راست میگذرد. در طول این مدت رویدادهای اجتماعی و تغییر و تحولات سیاسی، بسیاری از حقائق را بطرز کاملاً غریبی آشکار ساخته و بر اغلب پنداری های ذهنی گریبانها، خام طبعی های کودکانه و انتظارات خوش بینانه و توهم آمیز نسبت به قدرت حاکمه خط بطلان کشیده است.

اگر تا دیروز عوام مغربسی های رژیم جمهوری اسلامی و پیچیدگی و آلودگی حاکم برفضای سیاسی میهنمان رفقای صادقی را نمیتوانست گنج کرده و به گنج راه و بیراهه بکشاند، و دنباله روی آنها را از سیاست های اپورتونیستی رهبران نشان موجب گردید، اینک گسسته برده ها کا ملانیکنا رفته و رژیم جمهوری اسلامی حکومت ترور و اختناق را برقرار کرده، فوج فوج دسته دسته انقلابیون را به جوخه های اعدام می سیارده، دستگیر و شکنجه می کند، سکوت در بر ایران و بالاتر از این تا شدیدترین رژیم ارتجاعی خطائی تاب بخود نمی و خیانت آشکار به خلقهای زحمتکش ایران است و تاریخ کسانیکه از تجربه دو سال ونیم حیات رژیم جمهوری اسلامی درسهای لازم را نیا موخته باشند کوشمائی سختی خواهد داد. ما یکبار دیگر به آن دسته از رفقای صادقی که هنوز نتوانسته بطور قاطع از این سیاستها بگسلند هشدار میدهیم که در کنار رژیم ارتجاعی حاکم قرار نگیرند و به صف انقلاب بپیوندند. اینک سخن گفتن از رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دموکراسی انقلابی و مترقی حتی با ریشخند نهادهای مردم روبرو میشود. امروزه حقایق روشن در سر و عریان تر از آنست که بتوان با دستاویز قراردادن شاد های سیاسی موجود بین رهبران جمهوری اسلامی و امپریالیسم، خملت و ماهیت مترقی برای این رهبران تراشیده و توده ها را به تمعیت

از آنان فراخواند. یکی از عمده ترین مسائل مورد اختلاف بین ما و رهبران اکثریتی های راست، اختلاف بر سر ارزیابی ها و تحلیل های مختلف از ماهیت، خملت و ترکیب قدرت حاکمه بود. در آن موقع رهبران اکثریت هر چند تحلیل مشخصی درباره این مسئله اساسی انقلاب ایران ارائه نمیدادند (و هنوز هم پس از گذشت دو سال ونیم از قیام بهمن ماه تحلیل کاملی در این مورد را ارائه ندادند) ولی با دستاویز قرار دادن واقعه تسخیر سفارت توسط دانشجویان پیرو خط امام چرخشی در سیاستهای سازمان ایجاد کرده و درباره ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی حاکمیت داد سخن میدادند و با تعریف مضمون اجتماعی و طبقاتی مبارزه ضد امپریالیستی در ایران، حاکمیت را رهبر مبارزان ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران به توده ها معرفی میکردند. آنها به توده ها میگفتند: اگر حاکمیت خلقهای کرد و ترکمن را به خاک و خون میکشد، اگر سربروهای انقلابی تحت فشار رو بگرد قرار می گیرند، اگر نشریات انقلابی توقیف میشود و خلاصه اگر آزادیها و حقوق دموکراتیک توده ها پایمال میگردد، نه بدلیل خملت و ماهیت ارتجاعی قدرت حاکمه بلکه اساساً "بدلیل کمبود آگاهی و برخی دگمهای مذهبی رهبران خرده بورژوازی و توطئه و کار شکنی جناح لیبرال های در هیئت حاکمه است و در پیروسیه نمایندگان خرده بورژوازی آگاه تر میشوند و دگمهای رهبران آنها ساقط میشود و اگر جناح چپ جناح لیبرالها از حاکمیت بطور کامل سرنگار شوند و توطئه های بورژوازی خنثی شود، دموکراسی مترقی و انقلابی خواهد بود. بورژوازی بنامی حاکم میشود و راه شرقی و تکامل جامعه بسوی تعالی هموار میشود. آنها میگفتند: "روحانیت را عمدتاً تریبون منافع خرده بورژوازی می شناسیم" و "بعلاوه معتقدیم وجه غالب حاکمیت که روحانیت پیرو خط امام است باز یکزادگیا و پیچیدگی هائی که مضمون آن هماهنگونه که قبلاً توضیح دادیم سائیش دگمهای کهن روحانیت است که تمایلات خود را با منافع واقعی پایگاه طبقاتی خود منطبق می سازد و وعده میدادند که "اعتقاد ما اینست که چون خرده بورژوازی در نفس خود دمکرات است چون خرده بورژواست و چون ضد امپریالیست است در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی پیش از آنکه ضد کمونیست باشد متفلسف

کمونیست هاست. این موضع طبیعی خرده بورژوازیست و تا زمانی که مبارزه ضد امپریالیست و دموکراتیک به پایان نرسیده باشد در پیروسیه انقلاب دموکراتیک یعنی تا زمانی که پرولتاریا ساختمان سوسیالیسم را آغاز نکرده باشد ادامه خواهد یافت. آنها که وجه غالب حاکمیت را دموکرات و ضد امپریالیست و متفق طبیعی کمونیست ها معرفی می کردند فرا تر رفته و حتی وعده تحول این دموکراسی خرده بورژوازی به دموکراسی سوسیالیستی را می دادند و می گفتند: ".... اینک که چگونه این پیروزی سیاسی... توسط پرولتاریا به پیروزی استراتژیک میرسد بستگی به شرایط پیچیده ای دارد که... مشخصی و میزان نفوذ رادیکالیسم بالیبرالیسم در رهبری جریانهای غیر پرولتری... دارد. در برابر این یا به گوشیهایی رهبران اپورتونیست بود که ما در تحلیل حاکمیتی که ارائه دادیم نوشتیم: "در این نوشته در جوتوان خود سعی می کنیم با بررسی تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی و روند عینی مبارزه طبقاتی نشان دهیم که حاکمیت کنونی بنا به ماهیت اش خواسته های واقعی زحمتکشان و توده های محروم خلق را نمی تواند و نخواهد برآورده سازد و راه پیشبرد و گسترش انقلاب را سد نموده است... و بدین استراتژیک پرولتاریا در قبال این حاکمیت سرنگونی آنست. و درباره اهمیت گسستن مسئله محوری انقلاب توضیح دادیم که "در شرایطی که بحرانی اقتصادی و سیاسی حادی بر جامعه حکمفرماست و عدم تحقق خواسته های واقعی مردم هر روز تعداد بیشتری از توده های زحمتکش را از حاکمیت دلسرد نموده و بسوی جنبش انقلابی میکشاند و توده ها هر روز در پراکتیک عینی خویش و در - رویدادهای پویای واقعی، عدم تحقق خواسته های خویش توسط حاکمیت کنونی را بیشتر درمی یابند، در شرایطی که صف بندی طبقاتی در جنبش بطور مشخص و با سرعت در حال شکل گیری است و نیروهای اجتماعی متخاصم به صف آرایی در برابر یکدیگر برخاسته و گاه تا سرحد جنگهای محلی به رویارویی می پردازند، و در شرایطی که موقعیت بفرنج و پیچیده مبارزه طبقاتی هر روز مسائل نوینی را در عرصه نبرد اجتماعی و بیکار طبقاتی نیروهای انقلابی فرا روی ما قرار میدهد، بدون پاسخ قطعی و روشن به مسئله قدرت ضد دموکراسی ۱۴

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



اعدامهای اخیر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، روی بیدادگاههای فاشیستهای هیتلری و صهیونیستهارا سفید کرده است

دشمنان امپریالیسم را آمریکا نمی نامد، رژیم ضد مردمی با این اعدامها میخواهد به قدرتها امپریالیستی کسه دشمن سوگند خورده انقلابیون کمونیست و دموکراتهای انقلابی هستند بگوید که ما همان قدرتی هستیم که بهتر از هر جریانی میتوانیم نیروهای انقلابی را سرکوب کرده جنیتش توده های را مها رزده و با تفراتال - کشانده و زمینها را برای زیست و رشد سرمایه های امپریالیستی و با نگاه ها خلیش آماده سازیم. و امپریالیستها هم از این امر بشتد استقبالی میکنند زیرا این بیک اصل اساسی و اثبات شده در جهان است که قلع و قمع نیروهای انقلابی و سرکوب - جنیتش توده های بیش از هر کس بشود امپریالیستها و سر کرده آن امپریالیسم آمریکا است.

رژیم ضد خلقی که در تنگنای بحران فزاینده اقتصادی - اجتماعی دست و پا میزند و نا بودی محتوم خویش را پیش روی می بیند، توسل به خشن ترین نوع سرکوب شده دیوانه وار دست به اعدام با آرزوی تریان، انقلابی ترین و با کبا خسته ترین جوانان وطن زده است. اما علیرغم این جنایات، اعدام ها، دستگیریها، خانه گردیها و ایجاد محیط رعب و وحشت که روی مولان، فاشیست های هیتلری، صهیونیستها را سراسیلی و یا تکی های امپریالیستی دروینتا مرا سفید کرده است، تا ثیرات مخرب آن در ذهن توده ها، با چیز بوده است. در بسیاری موارد در درگیری دو هفته اول میسازات اقتصادی وسیعی در کارخانه و در بین اقشار مختلف خلق افت نسبی داشته است. این امر ناشی از شدت فشار و سرکوب ناگهانی بوده است. اما از طرف دیگر این سرکوبها، خوشنیتها و اعدام های بی رویه موجب تشدید نا رضایتی توده ها را فراهم کرده است. در سکوت خشم آگین مردم و اعتراضات شفا هی آنها، در صفوف نان و آرزاق و در اتوبوس و در تاکسی مخالفت های مردمی رژیم آشکارا بیان میشود. این امر بخصوص در بعضی از شهرستانها که سلطه رژیم برائی ندارد نظیر همدان، کرمان، شیراز، تبریز و... بیشتر و با رزمشاهه میشود. بحران اقتصادی، تورم زیاد لوصف، کمبود آرزاق و ما بحتا ضروری مردم، بیکاری میلیونی وجود و میلیون آواره جنگی، جنگ و کشتار در غرب و جنوب کشور، همه و همه عواملی هستند که سرکوب ها و اعدامها نمیتوانند جلوی بروز نا رضایتی و آبراز مخالفت های مردم را بگیرد. گزارشات آزاد ارات - حاکی است که موج نا رضایتی و نا رضایتی ها در موجی آن نه تنها فروکش نکرده، بلکه در مواردی فزاینش نیز یافته است. رژیم سرکوبگر با اعدامهای بقیه در صفحه ۱۴

در تهران، چالوس، بهشهر و سستند چند تعداد اعدامها به بهانه های و مسخره بیشتر است و تا کنون در تهران ۶۶ نفر، تبریز ۹ نفر، چالوس ۹ نفر، بهشهر ۸ نفر و سستند ۴ نفر اعدام شده اند. در تمام این اعدامها آن چه تم اصلی و هدف رژیم را بروشنی می رساند ارباب توده ها و خا رچ کردن آنها از صحنه مبارزه و پایدان دادن به جنیتش توده های است. با نگاه هی به اعدامهای جنایتکارانه اخیر، شیوه پیشبرد و اجرای اعدامها در سراسر ایران را میتوان چنین جمع بندی کرد:

- ۱- هر کجا مبارزه با شدت جریان داشته و توده ها از آگاهی و شور مبارزاتی بیشتری بهره مندند، اعدامها به شدت بیشتری انجام میشود تا مردم مرعوب شده و صحنه مبارزه و پختیابی از پیشرو انقلابی را ترک گویند.
- ۲- رژیم کوشش میکند اعدام شدگان را از همه گروهها و دسته های پوزیسیون جمهوری اسلامی انتخاب کند و بخوبی مشا هده میشود که آنچه برای بیدادگاهها و ضد خلقی و فاشیستی مهم نیست مدارک جرم است. مهم اینست که بینا مگروه های مختلف فزاین تعداد اعدام کنند تا با مظلوم شدن از همه گروههای مخالف زهر چشم گرفته بشوند.
- ۳- شیوه انتقام کشی کورویی محابا کسه مخصوص رژیم های متعادل و در مانده است در بسیاری موارد یکی از انگیزه های - اعدامها را تشکیل داده و هر کجا که به - موسسات رژیم یا حزب جمهوری اسلامی و یا یکی از نوکران سرسپرده آن ضربه ای وارد میشود بلافاصله در آن محل چند نفر اعدام میشوند، بدون اینکه متهمینی که در آنجا اسیرند حتی در معیارها "عدالت آنها مستحق اعدام باشند، آنچه برای آنها مهم است تلافی و انتقام کشی است.

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در اجرای اعدامها و جنایتها را هدف و نیتات زیر را دنبال میکند: رژیم سعی میکند با این اعدامها خود را قدرتمند و مسلط بر واقع در نزد مردم جا زده و نشان دهد که با "قدرت" هر مخالفی را نابود میکند. او اکنون سعی میکند چنین وانمود سازد که نه از نظر مردم ایران با یکی دار و نه از مخالفان افکار عمومی متفرقی جهان. در سطح داخلی رژیم جنایتکار، ضد خلقی و سرکوبگر تر شده ها در تبلیغات خود به عبث سعی میکند انقلابیون ایران را که بیکدیگر ترسیدند دشمنان امپریالیسم جهانی هستند، - وابسته با مریکا قلمداد کند. ولی در این تبلیغات کوچکترین موفقیتی نداشته چرا که مردم انقلابیون را می شناسند و برای مردم این نغمه ها تا زگی ندارد. بخصوص که توده ها در عمل می بینند که چگونه رژیم در عرصه های اقتصادی و نظامی امپریالیسم جهانی و امپریالیسم آمریکا وابستگی داشته و هر روز این رشته های وابستگی ش بیشتر و بیشتر میشود آنوقت چنین رژیمی

از ۱۱ خرداد تا ۲۴ تیرماه، حدود یکصد و چهل نفر از مبارزان و انقلابیون با محاکمات چند ساعتی و سر بست - در قضا بخانه های رژیم جمهوری اسلامی به اعدام محکوم و احکام صادره بلافاصله به موردا اجرا در آمده اند. بجز ت میتوان گفت که در کمتر کشوری حتی در شرایط فوق العاده و کودتای نظامی چنین اعدامهای فجیعی صورت گرفته باشد. حتی پس از کودتای آمریکا ش ۲۸ مرداد چنین اعدامهای رخندا دو تنها اعدام های دسته جمعی که انجام گرفت در مورد افسران میهن پرست بود که طرف ۸ ماه، رژیم شاه ۴۵ نفر افسر را اعدام کرد. حتی در کودتای فاشیستی شیلی و اخیرا - کودتای آمریکا ش ۱ ژانوال ها در ترکیه چنین اعدامهای انجام نگرفت و طبق خبر مطبوعات رژیم ایران طرف ۱۰ ماهه که از کودتا میگذرد فقط ۸ نفر اعدام شدند. با این ترتیب دیده میشود که رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و "عدل اسلامی" آن که میخواهند آن در سراسر جهان بگسترانند، در آتش، قساوت و بی رحمی دست همه جنایتکاران تا ریخ را از پشت بسته است. وجه مشخص دیگر این اعدامها - علاوه بر تعداد بسیار - اعدام شدگان - نوع آنها ماتی است که به موجب آن مبارزان اعدام میشوند: اعدامها با طردا شدن قفل و نمک، اعدام با طردا شدن فن کوئل، کاردا شپزخانه و دست ها و انگ ا با طردا شدن نسبت با فقلن میا رز سرشناس، با طردا ریخش اعلامیه یا فروش تشریه و با شرکت در - نظا هرات ضد رژیمی... و بجز ت می توان گفت هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که با طردا این آنها مات پوچویی معنی فردی را اعدام کنند! از با صلاح دادگاه سخن گفتن بیهوده است چرا که این بیدادگاهها در حقیقت قضا بخانه ای هستند که هیچ با بظ و معیاری، حتی آنچه را که خودشان بنا م "مقررات دادگاههای انقلاب" سر هم کرده اند رعایت نمیکنند و در واقع مرهمه اعدامها بدون محاکمه صورت گرفته است.

اعدامهای دسته جمعی و روزمره که هدفش ایجاد ارباب در میان مردم - است مطابق یک برنام حساب شده در سراسر ایران با شدت اجرا میشود. درجه قساوت و بی رحمی حکام شروع صرف نظر از خلعت و خصومت آنها - که البته این مسئله نقش فرعی دارد - بستگی به شرایط و سطح مبارزات در مناطق مختلف دارد. هر کجا که سطح مبارزات بالاتر بوده و توده ها با شدت و تداوم بیشتری در جهت ادا ما انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی شرکت کرده اند، اعدامها با بجا دکسرتی و تری گرفته است. مثلا -

نوروز، شکنجه، زندان، حربه غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، شعار زحمتکشان



اعدام و ترور انقلابیون در بابل

پاسداران سرمایه‌خوار "در سراسر میهن ما دست به ترور و اعدام انقلابیون زده اند و با ایجاد وحشت و ارعاب و خفقان و سرکوب، سعی دارند مبارزات اوج - یا بنده - توده‌ها را به رکود یکساعتی محدود و متواضع کنند. توده‌ها در قبال این سیاست‌ها، با این مزدوران ثابت می‌کنند که هیچ نیروی نمی‌تواند خلق بیباک را از حرکت بازدارد.

در دهه اول تیر در بابل چند نفر از نیروهای انقلابی به شهادت رسیدند. هواداران سازمان در بابل در رابطه با دومورد ترور و اعدام اعلامیه‌ای منتشر کرده‌ام می‌نویسند:

شهید مهدی یگانگی هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران که روز هشتم تیرماه مورد تعقیب پاسداران قرار می‌گیرد و در تعقیب و گریز با مزدوران، اصابت گلوله قرار گرفته و شهید می‌شود.

در شب دهم تیرماه، رفیق تقی پور (هوادار چریکهای فدائی خلق) را در بابل تیرباران می‌کنند. این رفیق در درگیری‌های اخیر دستگیر شده و سرعت اعدام می‌شود.

هواداران سازمان اعلامیه خود می‌نویسند:

رژیم قصد دارد با استفاده از شرایط کنونی به کشتار انقلابیون اسیر در بند دست زنده، هشیاری انقلابی خود را حفظ کنیم، اخبار مبارزات خلق را به شکل مختلف بهم برسانیم، اجازه ندهیم که رژیم از شرایط سانسور و خفقان استفاده کرده، توطئه‌های شومش را به اجرا درآورد.

مردم مبارز بابل! اینک با دیدن تشدید مبارزات و با سازماندهی هر چه وسیع‌تر، به مقابله با تشدید سیاستهای سرکوبگرانه رژیم پرداخت.

تجربه‌های تاریخی و از جمله سرنوشت حکومت شاه نشان داد که رژیمهای متکی به سرنیزه و سرکوب هر قدری که در جهت سرکوب گسترده‌تر مبارزات توده‌ها بر میدارند، بیشتر در سایش سقوط سرازیر میشوند.

افشاگری پرسنل انقلابی ارتش در میان دو آب

نقل از اخبار آذربایجان (نشریه خبری فرهنگی سازمان در آذربایجان) شماره ۵

پرسنل انقلابی ارتش در میان دو آب برای افشاء ماهیت ضد خلقی ارتش و نشان دادن گوشه‌ای از اعمال وحشیانه این دستگاه سرکوب، بخصوص در رابطه با جنسیت و مقاومت خلق کرد، اعلامیه‌ای انتشار داده اند که در آن به شهادت یکی از سربازان هوادار سازمان نیز اشاره نموده‌اند. سرباز حسین نادرزاده ممقانی یکی از هواداران سازمان، بدست مأمور سرگرد بای قری فام فرمانده گردان ۱۸ میان دو آب، بعد از شناسایی دستگیر می‌شود. سپس او را دادگاهی کرده و به آشپزخانه گردان منتقل می‌نمایند. در موریت این گردان در جاده تکاب سرباز حسین نادرزاده زخمی می‌شود و می‌خواهند که او را به بیمارستان مراغه اعزام دارند، اما بای قری فام مزدور، بدلیل دشمنی با این سرباز مبارز، بعناوین مختلف و با تعللهای عمدی مانع اعزام او شده و در نتیجه سرباز مذکور بر اثر شدت خونریزی جان خود را از دست داده و شهید می‌شود. همچنین در سواری که پرسنل انقلابی پخش کرده‌اند سرهنگ مدرکیان این جانی خلق کرد فرمانده لشکر ۲۸ سنندج، بای قری فام به سرگرد بای قری فام دستور میدهد: به هر دمی که رسیدی آنجا را با خاک یکسان کن، به هیچ چیز و به هیچ کس رحم نکن جز دخترها و زنهای، با آنها هر کاری می‌خواهی بکنی.

پس از افشای ماهیت کثیف بای قری فام این فرمانده مزدور، زمزمه‌های اعتراض در گوشه و کنار اردوگاههای "گامیش گلی" و "شیرآب" دو پلیس راه وارد وگاه "قلج" شروع شده است.

هر روز که میگذرد، ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و ابزارهای سرکوبگرش از جمله ارتش، بیش از پیش برای توده‌های زحمتکش و سربازان و درجه‌داران رده‌های پایین که فرزندان همین زحمتکشانند روشن می‌شود.

یک دهقان زحمتکش در حمزه کلای بابل توسط پاسداران به شهادت رسید

دهقانی که در روستای حمزه کلای بابل منتظر گرفتن روغن موتور در صف ایستاده بود، با گلوله پاسداران به شهادت می‌رسد.

دوازدهم تیرماه دهقانان هشت تاده روستای اطراف بابل، برای گرفتن روغن موتور سهمیه خود به حمزه کلای روئند در صف می‌ایستند. بعد از مدتی چهار پاسدار می‌آیند تا با مطلع "نظم" را در صف برقرار کنند. انتظار دهقانان طولانی می‌شود و خبری از دادن سهمیه روغن نمی‌شود، پاسداران سرمایه در مقابل اعتراض دهقانان دست به تیراندازی می‌زنند و یک پیر می‌مرد روستای در این میان شهید می‌شود. اعتراض دهقانان که حدود سیصد نفر بودند با لامیگرید، دهقان پیری با خشم و انزجار به پاسداران می‌گفت "توبه چه حقی تیراندازی می‌کنی، توبه آدمی صبر و روغن را حفاظت کنی؟ شو بجای

اینکه تفنگ بدوش بیندازی بیای روغن ما را بده که تمام مزارع و محصولان از خشکی و بی‌آبی نسوزد یک پاسدار با قنداق تفنگ به او حمل می‌کند، دهقان سینه خود را با زخم کرده و می‌گوید "بزن، خجالت نکش شما ها هر روز دهقانها را از جوانان ما را می‌کشید، ما را هم بزن... پاسدار در مقابل قاطعیت این دهقان و حمایت دیگران از او مجبور به عقب نشینی می‌شود اما در همان حال می‌خواستند جوانی را با خود ببرند که با زخم و مقاومت همه حاضرین روبرو شدند و مجبور شدند محل را ترک گویند.

دهقانان با زخم مدتی را در صف ماندند و با صحبت‌هایی که می‌کردند خشم و انزجار خود را از این مزدوران رژیم نشان می‌دادند و سرانجام بدون اینکه از روغن موتور خبری بشود، حمزه کلا را ترک کردند.

اعدام جنایتکارانه حسن خوش قامت کارگر مبارز دزوب آهن را محکوم می‌کنیم!

تا بود با دشمنان ما، این لانه‌های جاسوسی حزب جمهوری اسلامی، مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد دشوارهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان، تا بود با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پانگه داخلی، کارگران پیشرو دزوب آهن - امفهان

است که هم‌راه با کشتار روستایی تعداد زیادی از کارگران آگاه و مبارز دزوب آهن را دستگیر و از میان آنان کارگر مبارز حسن خوش قامت را به جرم دفاع از دستاوردهای قیام و منافع زحمتکشان اعدام نموده‌اند.

کارگران مبارز دزوب آهن! هم اکنون جان کارگران و فرزندان انقلابی خلق که در جنگ‌های رژیم جمهوری اسلامی گرفتار شده در خطر است. هشیار باشیم! با برآوردن صدای اعتراضی خود، علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی توطئه دژخیمان را خنثی کنیم.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بخيال خود می‌خواهد با این اقدامات جنایتکارانه و با برقراری سرکوب و اختناق که روی جانین ساواک شاه را سفید کرده است، مردم را مرعوب نماید. هدف این اعمال جنایتکارانه و ضد خلقی، ارعاب مردم، سرکوب جنبش خلق و به انفعال کشاندن آنها و تشبیت موقعیت متزلزل هیئت حاکمه کنونی است تا بتواند انقلاب را به شکست قطعی کشانیده و منافع سرمایه داران وابسته به امپریالیسم را حفظ نماید.

بدنبال چنین سیاست‌ها...



نیکار آگونه

سازد نیست، انترناسیونالیست

جبهه آزادی بخش ملی ساندنیست در هفته گذشته اعلام کرد که "اون باستورا" معاون وزیر دفاع و "خوزه والایوسا" معاون وزیر کشور دولت انقلابی نیکار آگونه بخاطر مبارزه در کثرت رزمی و شجاعت و ملیت‌های دیگر از مقام خود استعفا کردند.

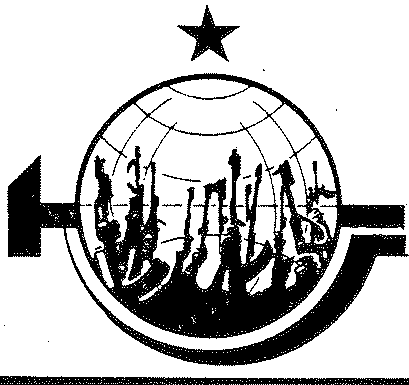
این اقدام انقلابی بیانگر موضع انترناسیونالیستی مبارزین کمونیستی است که رهائی تنها می کارگران و زحمت کشان و خلقهای تحت ستم را وظیفه خود میدانند و به ضرورت وحدت انقلابیون در مقیاس جهانی معتقدند. انقلاب در هر کشور را به مثابه حلقه‌ای از زنجیره انقلابات پرولتری جهانی می نگرند و در جهت تحقق انترناسیونالیسم پرولتری کام بر میدارند.

بر اساس همین ایده بین المللی

کمونیستی است "باستورا" می گوید: "می دانم که ممکن است کشته شوم ولی نمی توانم مرگ روستا ثیان را در سفارت خانه ها و یا قتل کشیشان را تحمل کنم".

این سخنان "باستورا" اشاره ایست به رویدادهای سال گذشته در کوبا تما لا که نیروهای سرکوبگر ارتش ۲۷ روستائی را که به منظور اعتراض به سیاست سرکوب و اختناق دولت ژنرال "فرناندو لوکاس رومثوگارسا"، سفارت اسپانیا را به اشغال در آورده بودند، در یک آتش سوزی عمدی در سفارت اسپانیا به قتل رساندند. و نیز اشاره است به کشتار کشیشان ترقی خواه بدست گروههای فاشیستی راست گرا که با پشتیبانی دولت سنیروهای سرکوبگر به هراقتیل تمام جناحیتکارانه ای جهت سدر کردن مبارزه انقلابی توده های تحت ستم دست می یازند.

جنبش جهانی



انگلستان

پیا، پیا، زحمتکشان

موج اعتراضات توده ای و تظاهرات و درگیریهای خیابانی میان زحمتکشان با پلیس در شهرهای مختلف انگلستان طی هفته پیش ایضا دتازه تری یافت دولت امپریالیست انگلیس در عین حال که بناچاراً "به وجود بحران، مسئله بیکنساری تورم، افزایش هزینه زندگی و مشکل مسکن و رفاه اعتراف کرده است، بسا

آرژانتین زنده است سانچوزنده است

آرژانتین

۱۹ ژوئیه ۱۹۷۶، منطقه کونسپت واقع در بیوتن آیرس پایتخت آرژانتین شاهد شورش دلاوران گروهی از بزرگترین انقلابیون آرژانتینی علیه ارتش ضد انقلابی بود. رفیق ماریو برتوسا نچو دبیرکل حزب انقلابی کارگران آرژانتین و فرمانده ارتش انقلابی خلق به همراه گروهی از رفقای هیئت سیاسی حزب در این بیکار قهرمانان به شهادت رسیدند. سانچو در کوران مبارزات کارگری و توده ای آبدیده شد. او در سال ۱۹۶۵ حزب انقلابی کارگران را با چشم انداز مبارزه مسلحانه برای استقلال ورهائی و سوسیالیسم بنیان نهاد. دوران ۱۹۷۲ - ۱۹۶۶ یعنی دوران سیاهترین دیکتاتوریهایی رفیق با قاطبیت و کارائی کم نظیر خود در امر سازماندهی حزب و بازوی مسلح آن ارتش انقلابی خلق را از گزند حملات وحشیانه پلیس نجات داد. بسا قدرت گیری پرونیسم در سال ۱۹۷۲ حزب و ارتش به یک پیشاهنگ قابل اتوانسا در خدمت سازماندهی توده ای بدل شدند و سانچو در این مورد سهم ارزشمندی داشت. سانچو قهرمان یک استراتژیست و شورسین توانا بود، او در جریان کنگره حزب در سال ۱۹۶۸ شوروی انقلاب آرژانتین را فرموله کرد که مورد تأیید حزب قرار گرفت. بر اساس شوری سانچو انقلاب آرژانتین به مثابه یک حلقه در زنجیره انقلابات آمریکای لاتین از کا سال مبارزه مسلحانه توده ای بود از مدت به سوی سوسیالیسم ره میگشاید "ارتش انقلابی خلق" تحت هدایت رفیق سانچو به همراه میگوئل انریکو زدیبر کل "میر شیلی، توپا ماروهای روگوئه و" ارتش رها شیش خلق "بولیوی شورای

همانگی انقلاب" را در آمریکا لاتین، بر اساس استراتژی انقلاب منطقه ای و بر مبنای طرح کانون سبیز تظاهرات و جهانی در تحت سلطه و ایضا "آمریکای لاتین تاسیس کردند. این شورا به انترناسیونالیسم پرولتاریائیستی آنگونه که چه گوارا مطرح می ساخت وفادار بود. آری جهانی شدن سرمایه و اتحاد امپریالیست ها برای استثمار و ستم و سرکوب، الزام آوری سازد که انقلابیون در مقیاس جهانی وحدت داشته و در سطح منطقه، استراتژی و تاکتیک خود را هماهنگ سازند. در اینجا سانچو نشان داد که نه تنها یک پراتیسین و شورسین برجسته در سطح انقلاب ملی، بلکه یک انترناسیونالیست واقعی نیز می باشد.

سانچو، نمونه برجسته ای از -

پیشاهنگ انقلابی بود. نظم، فداکاری، قدرت ایدئولوژیک، روح وحدت جوی او برای انقلاب و مهمتر از همه، انتقاد پذیری او شایان توجه است. او در سال ۱۹۷۵ گفته بود "در آرژانتین، پیشاهنگ به دلیل فداکاری خود، بذل خون خویش و الگوهای قهرمانی، در میان توده ها امیدوار انگیز شده است" اکنون همه شرایط رشد و جدت گیری مبارزه طبقاتی اعتقاد توده های تحت ستم آرژانتین به پیشاهنگ انقلابی و امیداتان به پیشاتازان واقعی انقلابی آشکار شده است. و امروز ایران سانچو در جهان تحت سلطه، در شامی آمریکا مرکزی و از - جمله آرژانتین همچنان آن پیشاهنگانی هستند که در توده ها امید برمی انگیزند. آرژانتین زنده است سانچو زنده است

آلمان غربی

خانه گردی

بدنبال حملات سرکوبگرانه پلیس فاشیستی آلمان به زاغه نشینان برلین غربی در چند ماهه اخیر که جهت بیسرون راندن زحمتکشان از خانه های مصادره شده و نیز جلوگیری از گسترش این حرکت انقلابی صورت گرفت، پلیس فاشیست حامی منافع امپریالیست ها در مواجهه با مقاومت دلیرانه زاغه نشینان این بار به منظور ایجاد محیط رعب و وحشت و بهانه های وا هی به تجسس یکایک خانه های مصادره شده از سوی این زحمتکشان مبادرت نمود.

اما زاغه نشینان برلین این بار هم تلاش مدیوچانه دولت امپریالیستی آلمان را نقش بر آب کردند و به سازماندهی تظاهراتی گسترده در اعتراض به خانه گردی توسط پلیس، به مقابله ای سخت علیه تمامی سرکوب ها و ستمگریها پرداختند. در این تظاهرات زاغه نشینان با ایجاد سنگرهای خیابانی و با بهره آتش کشیدن چهار اتومبیل جهت خنثی کردن گاز اشک آور که توسط پلیس برای متفرق کردن تظاهرات کنندگان پرتاب شده بود، اقدامات سرکوبگرانه بسا پاداران سرمایه را خنثی کردند.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای

رها ئیبخش سراسر جهان



انگلستان

پا، پیا، زحمتکشان

صفحه ۱ از صفحه ۱۰

ایستمال بشرمانه مدعی است که ایسین درگیریها از سوی عده‌ای که حرص بیشتر خوردن دارند و به قصد دزدی و غارت وجود آمده است دولت مدیوچانه می گوید تا بدینوسیله برای اعمال جنايتكارانه خود توجیبه قانونی بسایند. مهاجرین در انگلستان از نظر شرایط زندگی به ویژه مسکن در موقعیت بسیار نا مساعدی قرار دارند. طبق آمار رسمی از هر ۲۵ واحد مسکونی در این کشور یک واحد مسکونی به مهاجرین بخصوم مهاجرین آسیائی تعلق دارد. در واسط سال ۱۹۸۱ ۵۶ میلیون واحد مسکونی در انگلستان ۲/۵ میلیون واحد متعلق به مهاجرین رنگین پوست از کشورهای "مشترک المنافع" (آفریقا هند غربی و آسیا) بوده است. و مهاجرین رنگین پوست اغلب در محلات فقیرنشین کسبه دارای تراکم زیاد و فاقد خدمات رفاهی هستند زندگی می کنند.

دولت انگلستان در تکرار انگلیس که از یک سو بر اثر بحران زرف اقتصادی قادر به پاسخگویی به نیازهای اجتماعی می گویا کارگران و زحمتکشان نیست و از سوی دیگر با گسترش جنبش نهیستستان و حمایت سفیدپوستان از این حرکت انقلابی کارگران مهاجر و برپا شده، پیش از پیش ما هیت واقعی خود را در حفظ و تائین منافع نامحارات امپریالیستی و سرکوب و اختناق زحمتکشان آنکار میسازد و مستقیماً رودر روی آنان قرار میگیرد.

در زیرگوشه‌ای از اقدامات جنايتكارانه پلیس فاشیست و سیاستهای ضد کارگری دولت انگلیس راطی هفته‌های اخیر ذکر می کنیم تا با مقایسه‌ای که مردم زحمتکش ما میان این سیاستها و سیاستهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بعمل میآوردند و در دنیا ما هیت همگون سرکوب و توندن و تیرباری و تیر و تیر سردمداران جمهوری را در باصلاح دفاعان از مبارزات مردم انگلیس و اشک تماشای ریختن جلادان رژیم را برای مبارزان رنگین پوست بشکل آنکار زتری بیان کرده باشیم و آنگاه پی خواهیم برد که

دولت‌های ارتجاعی و سرمایه داری از حقوق بشر تنها بجا طرپوشانند جنايتكارانه خود علیه زحمتکشان در کشوری که بر سران حکومت می کنند سود می جویند.

طی هفته‌های اخیر دولت انگلیس برای مقابله با مبارزات مردم به اقدامات زیر دست زده است

۱- دستگیریهای دسته جمعی متجاوزان از صدها تن از مردم که در میان آنها یک کودک ۵ ساله و یک کودک ۸ ساله نیز بچشم میخورد. و جرم آنها شرکت در تظاهرات لیورپول بوده است.

۲- تهمین و توقیف نیروهای سرکوبگر پلیس، کشتار و قتل تظاهرات کنندگان استفاده از گاز اشک آور، و گلوله‌های پلاستیکی (البته در این موارد جنايتكاران جمهوری اسلامی در مقام بالادستی قرار دارند و از گلوله‌های جنگی و نارنجک استفاده می کنند) و نیز استفاده از فشار آب جهت متفرق کردن تظاهرات کنندگان.

۳- اقدام به شدت عمل با تشکیل دادگاه‌های ویژه به منظور باصلاح

اعمال قاطعیت و سرعت بیشتر در قبال ناآرامی‌های امپراطوری بریتانیا این دادگاهها موظفند زحمتکشان "نورنی" را در جلسات کوتاه مدت به محازاتهای سنگین محکوم نمایند. تا جریز از بارلمان خواسته است تا هرچه سریع تر موافقت خود را با تشکیل این دادگاههای ویژه اعلام نماید. ۴- قلمداد کردن تظاهرات بمنتوان آشوبهای حاشی و اعلام غیر قانونی بودن هرگونه تجمع و پیکار روی در لندن و شهرهای بزرگ به مدت یکماه. مثلاً برای جلوگیری از یک گرد هم آشی حدود ۱۰۰ جوان سفید پوست در حمال بیست از رنگین پوستان توسط ۲۰۰۰ پلیس مسامت عمل آمد.

۵- در دستور قرار دادن طرح‌های جهت استفاده از ارتش و سایر ارگانهای سرکوب و تلاش در تصویب لوایحی در این خصوص. وزیر کشور امپریالیستی انگلیس اعلام کرد:

هرگونه حرکتی با بیدار سرکوب شود و دولت انگلیس برای سرکوب کردن ناآرامی‌های داخلی از نیروهای نظامی استفاده خواهد کرد. وی هم چنین اظهار داشته است: "به صحنه آوردن ارتش را بمنتوان آخرین وسیله هرگز نمیتوان منتفی دانست. این شورش‌ها به معنی جدیدی پیدا کرده. وقتی بعد جدیدی پیدا شود یا آن با بیدار قدرت مناسبی برخوردار کرد. بارلمان در ضمن پشتیبانی از اقدامات سرکوبگرانه پلیس فاشیست، برای مقابله با ایسین

جنبش اعتراضی تصمیم گرفته با تصویب قانونی جدید به پلیس اختیارات بیشتری دهد و پلیس را تقویت کند.

طبق لایحه جدید بارلمان انگلیس والدین جوانانی را که کمتر از ۱۷ سال دارند در درگیریها شرکت می کنند مجازات و جریمه خواهد کرد. اینجاست که می بینیم سردمداران دولت انگلیس چون سران جمهوری اسلامی می برند و بارلمان آنها نیز چون مجلس اسلامی می دزد.

۶- بکار گرفتن گروه‌های فاشیست از جمله "کله‌اس"ها (حزب الهی‌های انگلیس تبار) تحت عنوان "مردم جهت سرکوب تظاهرات". تا جرحی از این "مردم" در قالب دیگری هم نام می برد: "این اتفاقا است همه را وحشت زده کرده است و ممکن است... همه چیز از بین برود، هر چیزی که برای مردم انگلیس با ارزش است. اما این مردم چه کسانی هستند؟ غیر از سرمایه داران که ممکن است همه چیزشان یعنی سودهای سرشارشان از بین برود؟

۷- افزایش زندانیان: در حال حاضر بیش از ۴۶۰۰ نفر در زندانهای این کشور در شرایط غیر انسانی بسر میبرند و هر روز نیز بر تعداد آنان افزوده می گردد. در حال حاضر بجا طر تکمیل بودن ظرفیت زندانهای رسمی از بایگ‌های نظامی برای نگهداری زندانیان جدید استفاده می شود.

دولت انگلیس نیز و قیحانه حوادث اخیر را به اجانب نسبت می دهد و می گوید در این تظاهرات نوعی استرژژی نظامی بکار گرفته شد که منبع آن شخص نیست و پیا میهای لازم هم در جریان ایسین درگیریها توسط رادیوهای بی سیستم ردیودل می شود و بمب‌های آتش ز را بصورت سازماندهی شده توسط ماتیونهای باری به صحنه حمل می شده است. دولت تا جریبا آنکار به این تبلیغات مدیوچانه می گوید بخشی از مردم را برای مقابله با بخشی دیگر بسیج کند و نیز ما نسلد نبوی و جراحی در همه تلویزیون

ظا هر می شود می گوید: "هریک از ما اعم از پیدرها و مادرها، معلمان، شاغل یا بیکار روبالآخره سفیدپایان ("برادر، خواهر، هموطن") با بیداریم که این شورشها تمام می‌شود که برایشان ارزش قائلیم تا نبود خواهد کرد. وی از سالخوردگان و از معلمان می خواهد که جوانان انگلیس را قانع کنند که فریب "گروه‌ها" را نخورند و بیدارند که از تظاهرات فایدایی عاید نمی شود چون شورش "همه چیز" را از بین می برد و بالآخره وزیر کشور طی اطلاعیه‌های مکرر از "مردم" می خواهد که برای حفظ جان خانواده سلطنتی (همه چیز) خیرچینی کنند و هرگونه تلاش مشکوک را به پلیس گزارش دهند.

آنچه بر سر مردم تنها یک روی سکه سیاست دولت نژاد پرست و است امپریالیست انگلیس بوده دولت مستضعف جمهوری اسلامی هر چند به عیب ترفند فریبکارانه‌ای را نیز با همکاری عوامل مزدور در جنبش کارگری و کلیسا بکار می گیرد. که روی دیگر سکه سیاست او را تشکیل می دهد.

موعظه‌های مذهبی همراه با امتیازات جزئی به اتحادیه‌های کارگری و وعده‌های ایجاد اشتغال جدید نیز بکار گرفته می شود.

در خدمت این سیاست، رهبر حزب با صلاح کارگر پیشنهاد کرده است که در شرایط کنونی که کشور در لبه پرتگاه قرار گرفته است، ما لیا تنها با بدکار یافته، امکانات و تسهیلات لازم برای مردم در خانه، محل کار و جامعه فراهم شود.

از پیشنهادات دیگر این رهبر اشرافیت کارگری

کسرتن بیمه و کاهش تورم از طریق اعطای کمک به اتحادیه‌های کارگری را باید نام برد. سیاستی که دقیقاً "به منظور ایجاد تفرقه بین کارگران بومی و غیر بومی و مانع از حمایت بخشی از کارگران از جنبش اعتراضی عنوان شده است.

مقامات مذهبی کلیسا از جمله اسقف لیورپول نیز جهت تثبیت دولت تاجر بهمان شیوه‌های معمول تحمیلی و فریب مذهبی توشل جسته و از مردم انگلیس بخصوم جوانان "متضعف و میارز" سفید و رنگین پوست این کشور استمداد جسته و همگان را به آراستن دعوت کرده است و از مردم کشور خواسته است تا ترتیبی را برگزینند که شرایط برای زندگی عموم فراهم باشد!

اما یکی روم تمام می سرکوب‌ها و ستمگریهای دولت نژاد پرست انگلیس و اقدامات جنايتكارانه پلیس فاشیست حامی آن، و عوام فریبی‌های کلیسا و اجاز رفیرمیست هر روز بیش از پیش ما هیت این نوع سیاستها برای توده‌های زحمتکش روشن میشود. و نمونه آن مقابله سرخستانه زحمتکشان در برابر تشدد سرکوب و کنترل عیسورو مرورد منطقه بریکستون است که با شکست مفتضحانه‌ای مواجه شد. بطوریکه تظاهرات کنندگان با شاهده محاصره منطقه بریکستون به خیابانها ریخته و با حمله ناگهانی به پلیس، ما مورین را مجبور به فرار کردند. پلیس فاشیست و نژاد پرست انگلیس پس از سه ساعت با قوای کمکی خود تصمیم گرفت تا دوباره این منطقه را محاصره کند و تظاهرات کنندگان را سرکوب نماید. ولی این بار نیز مردم متوجه حیلہ آنان شده، با ریختن به خیابانها و آتش زدن برخی از ادارات توطئه آنها را خنثی کردند.



حمیتی چه گفت؟ حمیتی چه کرد؟ (۳)

وعده آزادی زنان... تثبیت و تشدیدستم دوگانه بر آنان

یکی از مسائل کلیدی که آیت الله خمینی در مورد آن وعده‌های بسیار داده‌است، زنان بود. زنان قهرمان میهن ما با شرکت وسیع خود در مبارزات خلق بر علیه رژیم منفقور پهلوی نقش بسزایی در سرنگونی این رژیم ایفا کردند. شرکت وسیع زنان در راهپیمایی‌ها علیه رژیم پهلوی خود بسیار محترم و فعال آن‌ها در مبارزات بود. زنان در تمامی مدت دو شاوش مردان رزمیدند و حتی در روزهای قیام نیز نقش فعالی در مبارزات سرنوشت ساز خلق ایفا کردند.

زنان نیز چون سایر اقشار و شرکت کنندگان در مبارزات خلق، در پی خواسته‌های مشخص به مبارزه روی آوردند. زنان در رژیم پهلوی چون سایر رژیم‌های سرمایه‌داری ستمی دوگانه را تحمل میکردند. زنان کارگر نه تنها مورد استثمار و وحشیانه سرمایه‌داران قرار داشتند بلکه اولین گروه آجریا را تشکیل میدادند. در مقابل کارمندی مزدگستر میگردیدند، از کوچکترین سهیلات حتی در هنگام ازایمان محروم بودند، شیرخوارگاه از خواسته‌های عینی کارگران زن بود که رژیم شاه هیچگاه به معنای واقعی آنرا برآورده نساخت. زنان روستایی تحت سخت‌ترین شرایط در عین بردوش کشیدن بار کارخانه از شدت فقر مجبور بودند دو شاوش مردان در تولید شرکت نمایند و از کوچکترین امکانات رفاهی نیز محروم بودند. از سوی دیگر حقوق اجتماعی نامبر زنان را همواره بعنوان شهرت وندی درجه دوم قلمداد می نمود. با زن در دوره شاه تنها بعنوان یک کارآفرین میشد. زن ارزش انسانی خود را از دست داده بود و وسیله تبلیغ اجناس کالاها بدل گشته بود. زنان بی‌خاستند تا حقوق اجتماعی برابر با مردان بدست آورند، بی‌خاستند تا امکانات رفاهی و شرایط مساوی در خرید انسان بر خوردار گردند. زنان بی‌خاستند تا در کارخانه و مزرعه از حقوقی برابر با مردان بسز برخوردار گردند.

آیت الله خمینی که از تمامی این خواسته‌های بخوبی اطلاع داشت، با وعده‌های خود زنان را فریفت و بدینسان خود را توان ساخت. آیت الله خمینی در مقابل سؤال "در حکومت آینده ازایمان چگونه خواهد بود" میگوید "زن‌ها آزاد هستند و در تحصیل آزاد هستند و در کارهای دیگر هم آزادند، همانطور که مرد - ها آزادند" (مما حبه با خبرنگار آلمانی ۲۲/آبان ۵۷) و همچنین میگوید "تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمیکند بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار میدهد" (مما حبه با روزنامه دنیای سوم ۲۴/آبان ۵۷) آیت الله خمینی به زنان وعده -

آزادی و برابری میدهد و به آنان نوید فعالیت سالم، آزاد و برابر اجتماعی میدهد. و داشتن نقش رفیع در سازمان جامعه میدهد. آیت الله در زمان حبه با شما بنده سازمان عقوبین المللی در تاریخ ۱۹/آبان ۵۷ میگوید "زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند. اسلام زن را تاجی ارتقاء میدهد که او میتواند مقام انسانی خود را در جامعه با بسود از حدشینی بودن بیرون بیاورد و مستجاب با چنین رشدی میتواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتها را بپذیرد" بدین طریق و با این وعده‌ها آیت الله

خمینی توده‌های زنان زحمتکش را به دنبال خود کشاند و به آنان نوید سراب جمهوری اسلامی را داد. آیت الله خمینی در شب پیش از فروردین ۱۲ فروردین سال ۵۸ کله برای تثبیت جمهوری اسلامی صورت گرفت جهت فریب زنان و به پای صندوق گشتن آنان با ردیکر وعده‌های خود را تکرار میکند و میگوید "اسلام حقوق زنان را بیشتر از مردان ملاحظه کرده‌است. زن‌ها حق رای دارند و این حق است که از حقوق زن‌ها در غرب بالاتر است. زنان ما حق رای دادن و حق انتخاب شدن دارند. تمام معاملات آنها به اختیار خودشان است و میتوانند بسیار رشدها را از اندیشه انتخاب کنند ما به شما قول میدهم که در حکومت اسلامی همه و همه آزادند و همه به حقوق حقه خودشان خواهند رسید."

اما دیدیم چگونه همانطور که وعده‌های خمینی در مورد آزادی در محک تجربه به حکومت اختناق و ترور و شکنجه بدل شد، چگونه وعده‌های او در مورد تامین و تضمین حقوق زنان نیز به تهمینه و تندی لاجبه ارتجایی قاصص انجامید. زنان زحمتکش در تجارب عملی خود در مدت پیش از دو سال حکومت جمهوری اسلامی دریافتند که این رژیم نه تنها هیچیک از خواسته‌های آنان را برآورده نماند بلکه با قوانین سرکشان ارتجایی خود قصد دارد آنان را به دوران - های ما قبل فئودالی برگرداند. وضعیت زنان کارگر تغییر نکرد، نهمه تنها شیرخوارگاه جدیدی ایجاد شد بلکه بسیاری از شیرخوارگاه‌های کارخانجات و ادارات نیز تعطیل گشت. در رژیم جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین قوانینی جهت بهبود وضع زنان تصویب نشد، نه تنها خواست مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان تحقق نیافت بلکه سرکوب، اخراج و عدم استخدام زنان با بعد وسیعتری یافت. نه تنها حقوق اجتماعی زنان تا مین نشد بلکه وجود و بعنوان یک شهروند درجه دوم و یک نیمه انسان به شکلی کامل تثبیت و قانونی گشت. عملاً، وضع زنان در رابطه با سطح دستمزد، شیوه استخدام، در برخورد و رفتار با آنان، حقوق اجتماعی و مدنی به وضعی حتی بدتر از رژیم گذشته تنزل نمود.

رژیم جمهوری اسلامی در لایحه ارتجایی قاصص که توسط آیت الله خمینی با رعایت بعنوان "اسلامی، ترین لایحه‌ها مورد تصویب قرار گرفت عملاً" مقام زن را به یک نیمه انسان تنزل داده‌است. رژیم "بول خون زن را نصف مرد بر آورد میکند و فقط زمانی مردی را که قاتل یک زن است مستوجب قصاص میدانند که نصف بول خون مرد به خا نواده‌اش داده شود. رژیم با لایحه ارتجایی قاصص عملاً "برای زن هیچگونه ارزش اجتماعی و شخصیت حقوقی قائل نمیشود بطوریکه تنها مدت زنان - هر چند نفره با شند - در مورد قتل از هرگونه اعتبار ساقط است. بدین طریق آیت الله خمینی وعده‌های خود مبنی بر "ارتقاء" زن تا حدیکه "بتواند مقام انسانی خود را در جامعه با بسود" و از "حدشینی بودن بیرون بیاورد" این صورت عمل نمود.

آیت الله خمینی که برای بدست آوردن رای زنان به سود جمهوری اسلامی میگفت "اسلام حقوق زنان را بیشتر از مردان ملاحظه کرده" اینک با تحقیر رژیم و کسب قدرت با تا شید و تمسید از لایحه قاصص عملاً "زنان را نصف مردان قلمداد میکند، رژیم جمهوری اسلامی بهمان -

استقرار و بدست گیری قدرت بدستور - مستقیم آیت الله خمینی سعی کرد زنان را در حجاب اجباری فرو برد و بدین طریق یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانها یعنی آزادی در انتخاب لباس را نیز از آنان سلب نماید. آیت الله خمینی که قبل از کسب قدرت میگفت "زنان در - انتخاب فعالیت و سرنوشت وهم چنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند" (مما حبه با مجله المستقبل ۱۵/آبان ۵۷) پس از تکیه زدن بر اینکه قدرت فرمان حجاب اجباری را صادر نمود که در عین تعرض علنی به حقوق اجتماعی زنان در پس خود خراج نمودن زنان از عرصه‌های اجتماعی و گشتن آنها به کنج منازل را نیز پنهان دارد.

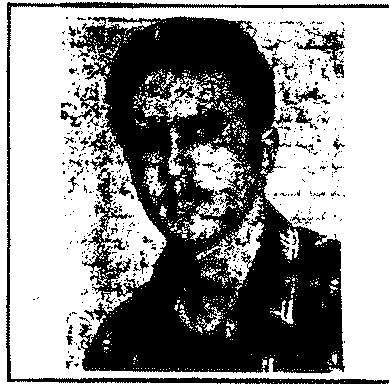
آیت الله خمینی به وعده‌های خود در مورد آزادی زنان در انتخاب شغل نیز وفا دار نماند. از سوی با فرمان حجاب اجباری در حقیقت امکان شرکت زنان در بسیاری از مشاغل و فعالیتهای اجتماعی را عملاً "از بین برد. حق قضاوت برای زنان ممنوع اعلام و رژیم ارتجایی جمهوری اسلامی قضاوت را مختص مردان اعلام کرد. آیت الله خمینی که ادعا میکرد "اسلام حقوق زنان را بیشتر از مردان ملاحظه کرده‌است" با اختصاص حق قضاوت به مردان و سلب آن از زنان در حقیقت زنان را از "ناقص المقل" اعلام نمود و از سوی دیگر نوبت تیز حملات رژیم مخصوصی در ادارات به کارمندان و نا غلبین زن قرار گرفت. به کوچکترین بهانه زنان را اخراج و یا "تصفیه" میکنند و حتی شسته کردن اجباری زنان در دستسور کار رژیم قرار گرفته‌است. اینک زنان نه تنها برخلاف وعده‌های آیت الله خمینی در انتخاب مشاغل آزاد نیستند - و حتی در بسیاری از مشاغل استخدام نمی‌شوند بلکه زنان شاغل نیز بشدت مورد تعرض قرار دارند و در هر لحظه در خطرات اخراج قرار گرفته‌اند.

و در نهایت رژیم جمهوری اسلامی - رهبری آیت الله خمینی با برقراری قوانین ارتجایی در مورد ازدواج و طلاق حقوق اجتماعی زنان را به تدریج با یمال نمود. اینک زندگی زنان - بسیاری در زیر سایه شوم حق طلاق یک جانبه مردان در معرض فروپاشی قرار دارد. زنان در موارد بسیاری از حقوق نگهداری فرزندانشان پس از طلاق محروم گشته‌اند. قانون تعدد زوجات شکلی کامل دست شروتمندان را در سوء استفاده از زنان و با یمال کامل حقوق و مقام انسانی او بازنهاده‌است. آیت الله خمینی که وعده میداد زنان را از حدشینی بودن خارج خواهد کرد و به مقام انسانی خودخواهد رسد با صحنه نهادن بر قوانین ارتجایی چون تعدد زوجات و حق صیغه زنان را به شکلی دیگر صورت شینی و کالادار آورده‌است.

بهر روز زنان در تجارب عملی خود به درستی دریافتند که رژیم جمهوری اسلامی نیز چون سایر رژیم‌های پاسدار سرمایه کوچکترین حق آنان را برآورده نخواهد ساخت و آیت الله خمینی نیز تنها و تنها جهت کسب و تثبیت قدرت و بدست گیری حکومت به آنان وعده و وعید برابری و آزادی میداده‌است. و اینک در راست رژیم جمهوری اسلامی رهبری پیشبرده تمامی سیاستهای فئودالی این رژیم را بسجده دارد.



نه تنها آسمان اوین که آسمان ایران را غرق ستاره خواهیم کرد!



بدنبال اعدام های جمعی انقلابیون در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، روز چهاردهم تیرماه نیمیست و هفت انقلابی از جمله یک دانش آموز پیشگام به جوخه اعدام سپرده شدند. دانش آموزان پیشگام در این رابطه و برای بزرگداشت فدائیان شهید علی خصوصی دانش آموز هفده ساله که در بین اعدام شدگان بود، اعلامیه ای منتشر کرده اند. در این اعلامیه گفته اند:

... پیشگام قهرمان، رفیق علی خصوصی نیز یکی از این انقلابیون بود. رفیق که بیش از هفده سال نداشت، هنرجوی سال سوم هنرستان تکنیکوم (شهید سروندي) واقع در شرق تهران بود. مبارزات خود را از من قیام آغاز کرد و در همان ابتدا در سنگر پیشگامان خلق مبارزه ای آشتی ناپذیر علیه امپریالیسم جهانی و رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را شروع کرد. ... سرانجام با رایزرت های ضد انقلابی مزدوران انجمن اسلامی، ما موران مسلح روز شنبه ششم تیرماه به خانه رفیق یورش میبرد و رفیق را با خود میبرند. و این رفیق قهرمان را که تنها جرئت شرکت در مبارزات بحق دانش آموزان و دفاع از منافع زحمتکشان محروم میسر شده بود در هفده سالگی در برابر جوخه آتش قرار دادند. ... رفیق علی در انجام وظایف تشکیلاتی اش رفیق کوشا و مسئول بود. وی طی ۹ ماه که مسئولیت هدایت مبارزات هنرجویان هنرستان تکنیکوم را داشت توانست سیاست پیشگام را به خوبی در آنجا پیش ببرد و در جهت دمکراتیزه کردن جودبیرستان، حرکات وسیعی انجام دهد. وی شک راه علی پررهورترین راه خواهد بود. این راه رژیم جمهوری اسلامی نیز بخوبی می داند بی جهت نبوده که مزدوران حسی از

تحویل جسدر رفیق نیز فوایدی کردند و همانطور که وعده کرده بودند او را بی غسل و کفن در گورستانی بظا هر پرت، در مسگر آباد، همراه هفت انقلابی دیگر بخاک سپردند. ولی چه باک چه باک که نه تنها بهشت زهرا، که تمام گورستان های ایران نیز برای امثال علی تنگ و کوچک هستند. علی در سینه تک تک محرومان خلق، در سینه زحمتکشان شهروروستا، جای دارد. بهشت زهرا ها از آن رژیم باد. هر آنجا که تیری علیه امپریالیسم شلیک شود بی گمان فریاد خشم علی خواهد بود و هر آنجا که قلبی تپش مبارزه علیه امپریالیسم را آغاز کند علی در آنجاست و سرانجام علی در وجود شما می سرمد زحمتکش که هر روز در سراسر جهان علیه ظلم و ستم مبارزه می کنند حضور دارد. "مادانش آموزان پیشگام، مبارز دیگر به خون پاک علی سوگند می خوریم که راه پرافتخارش را با گام های استوار و سوری افراشته تا پیروزی نهایی خلق ادامه خواهیم داد."

"کسر ۲۰ تومان از حقوق"

خدمتگذاران آموزش و پرورش

گامی دیگر

در جهت دشمنی بازحمتکشان

از اردیبهشت ماه ۱۰۰۰ تومان آموزش و پرورش شهری اقدام به کسر ۲۰۰ تومان در ماه از حقوق خدمتگذاران این بخش نموده است.

این ۲۰۰ تومان، از آنجا که حقوق خدمتگذاران از حداقل حقوق دولتی (۲۵۰۰ تومان) کمتر بوده است به عنوان اضافه کاری به این زحمتکشان پرداخت می شد تا هرگاه دولت بخواهد تحت این عنوان که شما اضافه کاری نمی کنید حذف کند.

در پاسخ اعتراض این زحمتکشان پویان رئیس اداره آموزش و پرورش منطقه ۲۰ (شهری) می گوید "هر کس نمی تواند با این پول کار کند می تواند بروی صبر کند تا ایامه مربوطه در مجلس تصویب شود."

یکی از زحمتکشان در این مورد می گفت: "اگر مجلس بفکر مردم بود که نمی گذاشت این همه ملت گران می بدبختی بکشد. حالا تا کی باید انتظار تمویب مجلس زن و بچه مون گرسنگی بکشند. از یک طرف به ما حیثانه ها اجازه تخلیه می دهند از طرفی هم ۶۰۰ تومان از حقوق ما کم می کنند یکدفعه بهمون بگین برید چا در نشین بشید."

یکی دیگر که پدرش فرزندش بود می گفت: "شوخی نیست وقتی یکدفعه از حقوق من ۶۰۰ تومان کم بکنند، حساب کنید چه فشاری را با بد تحمل کنم؟ و بالاخره یکی از زحمتکشان این منطقه گفت: تا همه جمع نشویم و با هم به اداره نیروم و داد و فریاد نکنیم هیچکس بما توجهی نمی کند."

می بینیم که شما می فشارها و تضییقات بردوش زحمتکشان است. کاش ۶۰۰ تومان از حقوق این کارکنان جزء در حالی صورت میگرفت که ۱۲۰ میلیون تومان ظرف یکسال به جیب تجار مکتبی میبرد، هر روز قرار دادهای اسارتیاریا امپریالیستها منعقد می شود و در عوض شما می فشار بر جان اقتصادي با بستن انواع مالیاتها و کاهش حقوق ناچیز زحمتکشان بردوش نموده های محروم میهنمان سنگینی می کند.

این اقدامات نشانه دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با نموده های محروم جامعه است و این چیزی است که نموده ها در تجربه روزمره خود بیش از پیش درمی یابند که این رژیم مدافع منافع سرمایه داران و تجار مکتبی است.

دادستانی نطقه علاوه بر زمین های یک زمیندار،

چهل هکتار هم به او جایزه داد!

نقل از اخبار آذربایجان (نشریه خبری فرهنگی سازمان در آذربایجان) شماره ۵
یکی از زمینداران روستای گهریز "که چهل طناب (نزدیک به ۲۰ هکتار) از زمینهایش، بعد از قیام بهمن ماه بدست دهقانان مصادره انقلابی و کشت گردیده بود. اخیراً "زمیندار مذکور همراه یک ماشین پاسدار و حکم دادستانی به روستا هجوم آورده و با تراکتور زمینهای کشت شده بوسیله دهقانان زحمتکش را که اغلب گندم و آفتابگردان در آن کشت شده بود، زیر و رو میکند. (با توجه به اینکه فصل استحصال گندم نزدیک بود) زمیندار

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند

اعدامهای اخیر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه ۸

جنا پتکار را نه دسته جمعی - که حلقه اصلی سرکوب کنونی است - بزعم خودش قلع و قمع پیشروان انقلابی را هدف عاجل خود قرار داده است. البته نیز حمله رژیم متوجه مجاهدین خلق است. تاکنون بیشترین تعداد اعدا در میان دستگیریهایی از آنها بوده است. بخوبی روشن است که رژیم نوغسکو در مورد کشف خانه تسمی مجاهدین غلغلو میکند تا روحیه مردمومبارزان را تضعیف کند ولی خود این امر تا شیرات عکس داشته و مردم پیش از پیش بسبب نیروی توده‌ای آنها بی می‌برند. رژیم مگر مجاهدین خلق و سایر نیروهای انقلابی در مقابل پیدا دگاها و در میسلمان‌های شیر که از قول خود عوامل رژیم بیان می‌شود (تظنیر ماحبه لاجوردی جلاد و گیلانی جنا پتکار) پیش از پیش علاقه و پشتیبانی توده‌ها نسبت به مجاهدین افزایش یافته است. هر چند مجاهدین خلق تاکنون تحلیلی در مورد حوادث اخیر بدست ندادند و در مورد دستگیریهایی و کشف خانه‌های تجمعی آنها نظری نگارنده اند ولی کاملاً مشخص است که علیرغم تبلیغات پرسروصدا و جنجالی که رژیم در مورد دستگیریهایی و کشف خانه‌های تجمعی مجاهدین برپا داده اند، آنها را غلب دستگیریهایی از هواداران وسیع آنها بوده است که بشکل توده‌ای در همه شهرها وجود دارند و تشکیلات اصلی مجاهدین بخصوص کار در رهبری ضربه مهن مانده است. پس از مجاهدین بیشترین تبلیغات رژیم علیه سازمان ما است. رژیم تا آنجا که توانسته و از آنجا سیرا هواداران - سازمان در اختیارش بوده است نتقام کشی کرده است. هم‌چنان که دشمنی دشمنانسه خویش را با اعدام رفیق دلیر ما سعید سلطانپور که ما آنها قبل در دست او اسیر بود نشان داد. اما علیرغم تلاشهای مذموبانه رژیم سفاک در شربزدن ضربه به سازمان ما خوشبختانه بسبب رگم موفق بوده است. تعداد اعدا مشدگان هوادار سازمان، پس از مجاهدین و پیکار بوده است. پس از مجاهدین، سازمان ما و پیکار گروه - ها نیز نظیر چریکهای فدائی خلق، حزب دموکرات، کومله، اتحاد مبارزان کمونیست جناح چپ، اتحادیه کمونیستها و فرقان - مورد حمله و تعرض رژیم قرار گرفته و تعدادی از اعضاء و هواداران نشان اعدا مگر دیده و تعدادی در زندان دستگیر شده‌اند.

آنچه به چشم می‌خورد بی برنا مگی رژیم در دستگیریهایی و اعدا می‌یکور است. از نظر روحیه نیروهای سازمانها انقلابی در سطحی لایق قرار دارند و این اعدا می‌ها و دستگیریهایی جز در عینا صورت نزل که تنها در روزهای خوش آفتابی به راهپیمائیهایی و تظاهرات سازمانت آمیز می‌زدند. اگر شریک شده است اما آنچه در جریان این پورشها و دستگیریهایی چشم می‌خورد عدم آماندگی پاره‌های نیروهای برای مقابله با چنین روزهائی است. بجز سازمان ما که از جهت تعداد و پیشقدمی با مرتبلیتات سیاسی تا اندازه‌ای موفق بوده است، بقیه گروهها در مرتبلیتات سیاسی ضعیف‌ترند. باید توجه داشت که در این شرایط که امکانات تمام شده‌ای شفا می‌بمانی تظاهرات، پلانک ردگیری، دگ زنی، فروش علفی روزنامه و... وجود ندارد، انتشار اعلامیه‌ها و نشریات که مردم سخن گفته و مسائل و سئوالات آنها را با سینه‌ها شزا اهمیت بسیار است. مردم باید در مقابل تبلیغات وسیع رژیم جواب

رژیم جمهوری اسلامی دیکتاتوری ارتجاعی یا...

بقیه از صفحه ۷

حاکم در کشور تعیین روش پهلوانا در قبال آن، از انجام وظائف انقلابی خویش بازخواست می‌ماند. در مقدمه همان نوشته ما به نقل از لنین نوشتیم: "مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمه در کشور است. بدون توضیح این مسئله نمیتوان از هیچگونه شرکت آگاهانه در انقلاب و بطریق اولی از رهبری بران صحبت کرد." ما همچنین در مقدمه انتشار علفی تحلیل حاکمیت در سرده خلقی تا کید کردیم: "از آنجا که امروز مسئله حاکمیت بمثابه حلقه اصلی و میرترین مسئله جنبش کمونیستی می‌باشد، ما با انتشار نقطه نظرمان در این مورد در جهت وحدت جنبش کمونیستی برای طرفداران و رفرمیست‌ها کوشش می‌نمائیم." ما با تا کید بر این میرترین مسئله انقلاب ایران توانستیم خط و مسیر قاطعی بین خط و مئی رفرمیستی و انقلابی ترسیم کنیم. و در طول مدت یکسال و اندی که از روز انتشار ما بین ما و آنها میگذرد، تحولات اجتماع - سیاسی با سرعت بیما تندی صحت تحلیل‌ها و پیش بینی‌های ما بطور انکارنا پذیری به ثبوت رسانید. دوارزایی مختلف از خصلت قدرت حاکمه، دموکراسی انقلابی یا دیکتاتوری ارتجاعی در پروسه دوسال ونیم کشاکش انقلاب و ضدا انقلاب، صحت و سقم خود را بنما می‌آشکارا ساخته است. ایده‌ای که خصلت قدرت حاکمه را دموکراسی انقلابی ارزیابی می‌نمود با شکست کاملی روبرو شده است و مدافعین این نظرسواوسی اعتبار گشته‌اند. دموکراسی انقلابی اطلاق کردن به رژیم که ترور آشکارا روسکوب عریان کارگران، دهقانان، زمینداران، خلقهای تحت ستم و نیروهای انقلابی را بتمام یک سیستم حکومتی ارتجاعی داده است، ارتش ضد خلقی را برپا می‌کند، ساواکی‌ها را عفو می‌کند، ارگانهای نظام سرمایه‌داری وابسته

را بازسازی می‌کند، نفت را همانند شرایط زمان شاه به کمپانیهای امپریالیستی می‌فروشد، لوازم یکدیگی و سایر بزرگی جنگی از انحصارات نظامی امپریالیستی خریداری می‌کنند، قرار دادهای بازرگانی کلان و سری با امپریالیستهای سرانجام، تجارت خارجی با دنیای سرمایه‌داری را گسترش می‌دهد، از جنبشهای ارتجاعی در منطقه نظیر جنبش ارتجاعی در افغانستان، حزب الدعوة در عراق، جنبش امل در لبنان حمایت می‌کند، با دولت‌های سوسیالیستی، دموکراتیک و مترقی دشمنی می‌ورزد، حقوق دموکراتیک خلقهای تحت ستم را انکار کرده، خلق کرد، ترکمن و... را مسلحانه سرکوب می‌کنند. از زمینداران در سراسر دهقانان و از سرمایه‌داران در سراسر کارگران دفاع می‌کند، ترور و اختناق کاملی حاکم کرده و کلیه نشریات انقلابی را توقیف می‌کند، دسته‌های فدائیان و مجاهدین خلق و سایر نیروهای انقلابی را به جوخه‌های اعدا می‌سپارد و توجو انان انقلابی ۱۳۰۱۲ ساله را حتی بدون اینکه نام و جرم شان مشخص گردد تیرباران می‌کند، توما جها و جهان‌ها وسیع سلطه نیورهای ادرزندان تروری می‌کند، قوانین ارتجاعی را نظیر قصابی اجرا می‌گذارد، نه تنها با کمونیسم و کمونیستها بلکه با دموکراتهای انقلابی نیز دشمنی می‌ورزد، اگر کار بیوروازی و با دوهای آن نباشد تنها کار مجنونان و دیوانگان می‌تواند باشد.

دموکراسی انقلابی نه تنها در فرهنگ مارکسیستی، بلکه در فرهنگ عامیانه مردم نیز مفهومی دارد که بهیچوجه نه از لحاظ شکل و نه در مضمون و محتوا فرات و تشابهی با رژیم حاکم ندارد. بنا بر شرایط کنونی که واقعیات زندگی امیکونه، صریح و عریان خط بطلان برای این یاوه‌گوئیها می‌کند، نیازی به توضیح تئوریک این مسئله نباشد و دیکتاتوری ارتجاعی حاکم آنچنان عیان باشد که نیازی به بیان حس نگردد، اما ما یکبار دیگر بطور خلاصه و موجز از وابسته تئوریک این مسئله را بررسی می‌کنیم تا آن دسته از رفقای ما دقتی که هنوز دروادی این شبه تئوریهها سرگردانند، بسدرک درست مسئله‌ها مثل آیند.

... ادا ما دارد...

مسائل را داشته باشند، با پیدا کنند هواداری که اتفاقی افتاده، حرکات و عملیاتی که صورت گرفته مربوط به چه نیرویی است و یا پیدا کنند در این شرایط وظایف آنها چیست؟ یکی از نتایج بسیار مهم این اعدا برای نیروهای سوسی بود که ما هیت و اقمی و خشن رژیم جمهوری اسلامی را در کنگرند و تصور می‌کردند راه مقابله با این رژیم صورتواند تشکیلات علفی، گل و گشا دوبا زی باشد. این امر یکبار دیگر مردود بودن سازمان علفی (که لنین با رها در آن تا کید کرده بود) و در کردن نیروهای خودی در نتیجه خلع سلاح کردن پیشروان انقلابی را در مقابل دشمن بنایب ارتجاعی که با اعمال شیوه‌های فاسد کمونیست خود را بسبب پیش می‌برد نشان داد. هر چند بدست آوردن این تجربه و حرکت در جهت سازماندهی نوین که مستقلاً با شرایط دیکتاتوری خشن با دشمن از تحمل ضرباتی عملی می‌شود (که میتوانست اجتناب پذیر باشد) ولی همین امر نقطه عطفی در وضع سازماندهی این نیروها بود که با این مسئله توجه کافی مبذول نمی‌کردند، اموری که هنوز

بسیاری از نیروهای صادق و ساده دل - جریانات جناح راست اکثریت و حزب توده از آن غافل بوده و روزی طعم تلخ آفر خواهند چشید. اکنون که نزدیک یکماه از اعدام‌ها یوحشانه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی میگذرد، بروشنی می‌بینیم که حاکمیت پیش از پیش در چشم توده‌ها منفور و مستاصل جلوه کرده، توده‌ها خشکین تر از گذشته در مقابل حاکمیت ضد خلقی قرار گرفته و نیروهای انقلابی در مبارزه با این بخاطر استقلال، کار، مسکن و آزادی ستم‌تر از گذشته ایستاده‌اند. رژیم سوسی با پیدا ندای این درس بزرگ - بیخ است: آنان که با دمیکارند، طوفان درو خواهند کرد. در دو افتخار بر دل‌اورانی که با خون خود درخت آزادی و استقلال خلقهای ایران را آبیاری کردند. با دخطر شهیدای خلق همیشه زنده است و آنها بخش مبارزان راه‌های خلقی می‌باشند. در دو بر شهیدای فدائی، مجاهد و همسفر شهیدای انقلابی خلق.



گودتای بی دروغ

آه مقدمه

دوران های انقلابی مرکز جاذبه تبادلهای بنده که بطور کلی خط مستقیم دنیال نمی کنند. آنچه در پس همسوی رویدادها و حتی وقایع نا منتظره، همه تصادفات پراکنده و جزئی قرار دارد، همانا حتمیت سیر دقتی است که در آن سرنوشت انقلاب تعیین خواهد شد.

تاریخ معاصر ایران، در تحلیل زمانی، بیانگر تاخیر نوده ها در به پایان رساندن انقلاب است و از همین روه می جنبش ها و انقلابات برخی اهداف مشترک را تکرار کرده اند. چرا که از دوران انقلاب های مشروطه (۱۲۰۵-۱۹۰۷) تا حال، که در ضمن یا چند دوره ای ما قبل انقلابی (دوره ای ۲۲-۱۳۲۲ و دوره ای ۴۲-۱۳۲۹) مشخص می شود، همه ای انقلاب ها و جنبشها یا به سنگلاخ کشیده شده اند و یا نیمه کاره رها شده اند. و اینک طبقه ای کارگر و خلق ایران، که در همین آزمون عظیم تاریخی خود را پشت سر می گذارد، هم می باید اهداف نیمه کاره رها شده را بطور کامل تحقق بخشند و هم تجارت تاریخی را بار دیگر تجدید کنند در عین حال که بی اهداف و تجارت جدید روبرویند.

مادریا دداشت های تاریخی و وظیفه ای خود را با زشتی اهداف و تجارت مشترک قرار داده ایم که اینک لزوم آن بی چون و چراست.

از دهه ای ۱۸۸۰، ایران به مدار تجارت جهانی کشیده شد. و تحت سلطه ای استعمارگرانه (روسیه و انگلستان) زندگی اقتصادی و روندمبارزه طبقاتی در آن دستخوش تغییراتی عمیق شد: از یکسو توسعه ای صنایع ملی مختل شد و از سوی دیگر هرگونه توسعه ای آن مستلزم انقلاب ملی بود (انقلاب ملی به عنوان مکمل انقلاب ارضی).

از همین روه انقلاب ۱۹۰۷ نه تنها سلطنت و روجانیت (متحد اشرافیت زمیندار) را آماج ضربت خود قرار داد بلکه هم علیه سلطه ای استعمارگرانه جهت گیری کرد. و هم از این روه بود که "ناشره ای جنگ داخلی ۱۱-۱۹۰۷ با اطلاعات روس و انگلیس مشتعل شد."

دوره ای که از پس آن آغاز می شود، تراکمی است از کشاکش های بی پایان، عمدتاً بی نتیجه، همراه با تضعیف همه ای نیروهای اصلی درگیر:

ارتجاع "هارولجام کسبخته" تجدید قوا می کند. اشرافیت زمیندار به مثابه تنها نیروی "خودآگاه" منتهه دشمنی جنون آمیزی علیه جنبش توده ای و بویژه قیام های دهقانی

داد استیهای تاریخی

نشان میدهد، و با همدستی امپریالیسم بریتانیا و روسیه در تقویت نیروی سیاسی و نظامی خود می گویند. با این همه اما بحران درونی آن که ناشی از تضادها و پیوسته ای فنودال نشین های بزرگ، رقابت های امپریالیستی و سرخشی شکست ها (مانند نفوذی سادگی، پیدایش پارلمان و رژیم مشروطه) از یکسو و جنبش انقلابی توده ای همراه با کوشش بورژوازی در راه دمکراسی سیاسی از سوی دیگر، بود از تمرکز بخشیدن به قدرت سیاسی و نظامی آن مانع می شود و از هم پاشیدگی شیرازه ای مورودولت های مستعجل تجلی آن است. ارتجاع به جنگ آشکار علیه توده های مردم متوسل می شود، فدائیان و مجاهدین تریبیز را اعدام می کند، برای قربان و جنبش قشون روانه می کند، در برخی مناطق حکام نظامی را می نشاند، اما ضعف و پوسیدگی آن، اثر از توفیق نهائی باز می دارد. خصیصه بورژوازی ایران به منزله ای اپوزیسیون، همانا ضعف آن بود و از همان آغاز هر چه بیشتر خصیصه طفیلی گرانه می یافت. از همین روه بین انقلاب توده ای و ارتجاع سلطنتی، اشرافی و مذهبی نوسان می کرد و هر جا که تعالیات توده ها بطور ادیکال مطرح می شد، چرخش آن به جانب ارتجاع نیز آشکارتر می شد. این ضعف و طفیلی گری ناشی از فقدان شرایط عمومی توسعه ای سرما به داری بود که سرما به داری رانه بسوی صنعت بلکه بسوی کشاورزی سرازیر می کرد. یعنی، هر چه ایران بیشتر به میدان اقتصاد جهان و به مسندار امپریالیستی کشیده می شد، به همان سرعت نیز با الزامات با زار جهانی انطباق می یافت و بهمان نسبت هم به مراکز امپریالیستی وابسته ترمی شد. رشد مناسبات با اقتصاد جهانی موجب افزایش ارزش و اجاره زمین شد و بورژوازی تجاری و سوداگر به برکست نیروی کار انسانی بسیار ارزنده قانی و امکان بهره کشی بی حد و حساب سرمایه ای خود را به کثرت و زوری انتقال داد. این سرما به هنگامی که به کشاورزی با نهاد به همان شیوه های بهره کشی فنودالی متوسل شد و بعضاً "به احیاء و تقویت شرایط بندگی در روستاها پرداخت" این بورژوازی که یکی از اهداف انقلاب را هم تا فرم ارضی ادیکال می دید، به جنبش انقلابی پشت کرد و تنها به پرگوشی های پارلمانی و یا توطئه گری ها ئی در پالاسنده گردیدین سان، انقلاب توده ای فاقد رهبری انقلابی بورژوازی بود در عین حال که هنوز توده ها بطور مستقل و با اهداف

مستقل در انقلاب نبودند. آنان بدلیل مبارزات شدیداً ناموزون، پراکنده و فاقد رهبری انقلابی متمرکز از پاسخی قطعی به مساله ای اساسی دوران بازماندند. بروز فحطی های بی درپی، گستردگی صف بینوایان و ادامه ای طولانی نبردهای فاقد نتایج پایدار، در بخشی از توده های شهری موجود نوعی خستگی شد. در عین حال، قیام ها و جنگ ها تنها بطور منقطع ای روی می دادند و آنکه خصلت عمومی کردن نیروهای شهری نشدند. آنچه در این میان بی چون و چرا بود، ضرورت رهبری انقلابی پروولتاریا بود که می باید حصول پلاتفرم مبارزه ای انقلابی، توده های دهقانی - کارگری را سازمان می داد، لیکن حزب کمونیست، با آنکه ما حساب چنین پلاتفرمی بود، هنوز در آغاز کار بود و چندان ریشه نندوانده بود (آقا زاده در سخنرانی خود در کمیسیون، چکیده پلاتفرم حزب را چنین بیان می کند: "مبارزات برنا می خود به عنوان وظیفه ای مقدمه فقط را ندان انگلیسی ها و سرنگونی دولت شاه بلکه هم فرا خواندن مجلس موسسان را منظور داشته ایم که در درجه اول میباید بقایای فنودالیسم را از میان بردارد و نیروهای مولد را از بندهای سختی که هم اکنون بدان گرفتارند، آزاد سازد.") (سومین کنفرانس، ۲۲ ژوئن ۱۹۶۱)

خلاصه کنیم: مشخصات اصلی این دوره عبارتند از:

۱- بحران فراگیر

یعنی "مبارزه ای" - در داخل خود طبقه ای فنودال، مبارزه ای طبقه ای زمیندار حاکم علیه کوشش های بورژوازی ملی برای آنکه به نحوی از آنجا در آید به سلطنت ستمی کسب کند. و بالاخره مبارزه ای فنودال ها و اقطاعی فوقانی بورژوازی ملی علیه جنبش انقلابی و سازمان های انقلابی."

۲- عدم برتری مطلق هر یک از این نیروهای اصلی - سلسله قاجار بسیار ضعیف و سالخورده بود، نقش بورژوازی صنعتی ناچیز بود و بورژوازی کمپرادور که هم ریشه های عمیقاً "در سرما به داری خارجی مستقر بود" قادر به ارائه راه حل مستقل و نیرومندی نبود. برعکس، "همانند روجانیت همواره ابزار زور دست از ارتجاع امپریالیستی بود" و از همدستی با اشراف زمیندار با کی نداشت در این میان، به دلیل فقدان رهبری انقلابی با کفایت پروولتاریا، نیروی توده ها در یک سلسله نبردهای پراکنده و جزئی به هدر می رفت.

بر چنین زمینه ای بود که کودتای سیدضیاء - رضا خان بمنزله نخستین برده ای سیر دقتی شکل گرفت. "ارتجاع طبقه ای ایران معاصر به بهترین شکلی مناسب نفع های ارتجاع بریتانیا، رضا خانی است... کل این اراذل - (اشرافیت زمیندار، روحانیون و بورژوازی کمپرادور)، و رضا خان در رأس بقیه در صفحه ۱۶

نه سازش نه تسلیم نبرد با امریکا

کودتای بی درد سر

بقیه از صفحه ۱۵

آنان، آماده‌ی خیانت به هر قیمتی به منافع کشور، آن نیروی داخلی است که سرمایه‌ی بریتانیا خود را بر آن استوار می‌سازد، در حالی که مجلس ملی، ساخته‌ی انتخابات قلابی، سمبل اراده‌ی متمرکز این اراد است.
روزبرمی کوشیم ترسیمی از این پرده‌بست دهیم.

۲- کودتای ۱۳۲۹ (۲۱ فوریه ۱۹۵۱)

همه می‌گفتند کودتا خواهد شد. این راه هم می‌دانستند که انگلیس هر آن کودتا دست خواهد داشت تا قرار داد ۱۹۱۹ را به اجرا گذارد و برابر "نقشه" شوروی و اقدامات دولت آلمان بایستند، برخی حتی یقین داشتند که "نامزدهای" کودتا افراد دست‌نشانده و سرشناسی نظیر فیروز میرزا فرمانفرما (رئیس پلیس جنوب) خواهند بود. گروه‌های دیگر از جمله سرال ایل‌بختیاری خود را آماده می‌کردند تا در روز موعود گوی از میدان بر بیایند، دولت محتضر احمدشاه قاجار نیز نیک دریا فته بود که دیگر از "مشروطه" بازی کاری ساخته نیست، و تنها راه حفظ منافع طبقه‌ی حاکم، راه مقابله با ایران اقتصادی دوران بعد از جنگ جهانی و راه سرکوب نهضت‌های محلی (که با افکار مشروطه خواهی و اسلامی آغاز می‌کردند و در روند گسترش خود به قیام‌های دهقان‌نسی و گروهای چپ کشیده می‌شدند) همانا برقرار کردن حکومت "نظم"، "بیجا‌ذات‌منیت" و احیاء "ملت یکپارچه" است. اما هیچ کس نمی‌دانست و به خاطر کسی خط‌موس نمی‌کرد که مجریان طرح فرماندهی قشون انگلیس در ایران (سرادمونند آیرن ساید) به جای فرادشناخته شده و با سابقه، یک آخوندزاده‌ی روزنامه‌نگار (سیدضیاءالدین) و یک قزاق گمنام که سابقاً "مستخدم سفارت هلند" بود (رضا خان میرپنج) باشد، اتحاد "مقدس" یک سید "عادی" و یک قزاق "عادی" خود یکی از عوامل پیروزی کودتا در اذهان مردم "عادی" بود.

اکنون "ناجیان جدید" می‌توانستند خود را سخنگوی "شده‌ی مظلوم" بنمایانند، کارگران، دهقانان و نهیستان را "یکجا" مخاطب قرار دهند، برای جلب اعتماد مردم به مصادره‌ی اموال برخی از افراد و رجال لبرآیند، نوید املات از رضی را در آئینده می‌زدیک اعلام دارند، در توجیه دستگیری و تبعید آزادی خواهان توقیف مطبوعات "خطر تجزیه" ایران را پیش کشند و در عین حال که قرار داد ۱۹۱۹ را مو به مو به اجرا می‌گذارند و تفوق را در اعلام کنند، در یک کلام، آنان از انفعال و خستگی‌نوده‌های شهری جداگشته بهره‌برداری را برای جلب آنان بسه‌جانب خود کردند.
یک هفته پیش از کودتا، آیرن ساید فرمانده قشون انگلیس در ایران

نوشت: "دروغ کشویی ایران، کودتا از هر زمانی بهتر است. در حقیقت، طرح کودتا از مدت‌ها پیش، یعنی از بسندو استقرار حکومت شوروی، مشغله ذهنی انگلیس‌ها بود. آنان می‌کوشیدند در کشورهای هم‌مرز شوروی با لگن کمربندی از دیکتاتورها برای مقابله با همسایه شمالی ایجاد کنند (دائماً رکه آلمان، لهستان، ترکیه، ایران و...). اشکال عمده‌ی اجرای چنین طرحی در ایران عدم انجام قوای نظامی (همراه با بحران سیاسی عمیق) بود. حضور افسران سوئدی و فرماندهان روسی، ارتش ایران را از یکپارچگی بازمی‌داشت. نخستین اقدام انگلیس در این جهت، قرار داد ۱۹۱۹ بود که بدست وثوق الدوله رئیس الوزرای وقت منعقد شد و آنچنان تا خرسندی و التهاب برانگیخت که دولت بعدی (مشیرالدوله) از اجرای آن سر باز زد. ماه ۳ این قرار داد پیشنهاد می‌کرد که برای "حفظ نظم در داخله و سرحدات" ایران "قوه متحدالشکلی" زیر نظر افسران انگلیسی ایجاد شود. در ۱۹۲۰ انگلیس‌ها از دولت مشیرالدوله خواستند که افسران روسی را از بریکارد قزاق اخراج کند. بهانه این بود که در نبرد با جنگلیان افسران روسی جنگیده‌اند و گروهایشان بلشویکی‌ها داشته‌اند. بدین سان، دولت انگلیس بر آن بود که از "سیراهه" قرار داد راه اجرا در آورد. وزیر مختار انگلیس (نرمان) تا بدان جا شاه را در تنگنا قرار داد که کابینه‌ی مشیرالدوله را ساقط کرد. وی در گزارش خود نوشت: "مشیرالدوله استعفاء خواهد داد. من سپهبد اعظم را برای تشکیل دولت

اسم بردم". رئیس الوزرای جدید حکم انفصال افسران روسی و سوئدی را از شاه گرفت (نوامبر ۱۹۲۰). برای جلب رضایت قزاق‌ها صدها هزار تومان پول در میان شان تقسیم شد و حاصل این پول سیدضیاءالدین بود. با این اقدامات بخشی از قرار داد ۱۹۱۹ به اجرا درآمد. در همین سال (۱۲۹۹-۱۳۰۲) قشوی شوروی برای کمک به نهضت جنگل وارد آنزلی شد و در ضمن مصراع‌ها خواستار خروج قشون انگلیس از ایران شد. سیاست پرولتاریای شوروی که آماده بود همه‌ی قراردادهای تزاری را لغو کند، تا سیات تجاری را به ایران بازگردانند، اما متبایزات قبلی را ملغی کند، انگلیسها را بنا بر ایران داشت که تغییراتی در سیاست تجا و زگزان‌ها آشکار خود دهند و در پوشش یک "حکومت ملی" سلطه‌ی خود را بر ایران باز سازند.

اکنون که مقدمات کار فراهم می‌شد، قوای انگلیس هم می‌توانست جهت حفظ ظاهر قوای خود را از ایران خارج سازد. پس عقب نشینی از خراسان را آغاز کرد و دستور تخلیه قزوین و مرکز عملیات نیز صادر شد. در نوامبر ۱۹۲۱ ژنرال آیرن ساید از روی قزاق در قزوین با زدید کرد و اعلام کرد: "زقما ما با یدهمکاری کنیم، زیرا دشمنان مشترک کمونیستهای گیلان هنوز سرکوب نشده‌اند". در این هنگام بود که آیرن ساید فرماندهی قوای مهاجم را به رضاخان سپرد که در گرداندهنل قزوین ملاقات و مذاکره کرده بودند. رضاخان جسور

قزاق‌ها بی‌بود که به سرکوب رشت رفت و ارتوای کوچک خان شکست خورد. اکنون در این رابطه و ما موریت آنی خود می‌گفت: "قزاق‌ها بلشویک‌ها را خوب می‌شناختند و از این که می‌بینید پشت سر هم دولت‌های نالایق سرکار می‌بیند و هیچ کس کوچک‌ترین اقدامی برای دفاع از کشور را بیخت از حملات بلشویک‌ها به عمل نمی‌آورد، خسته و منزجر شده‌اند و بیش از این نمی‌توانند آشفتگی اوضاع را تحمل نمایند." در ۲۴ دی ماه، دو ماه قبل از کودتاهای دولت شوروی نیز قوای خود را از آنزلی فرا خواندند و راه سرکوب نهضت جنگلی نیز هموار گشت.

در همین ماه دولت سپهبدار (پس از یکبار استعفا و تشکیل مجدد) به آیرن ساید نه که مردم با مجلس مخالفت می‌کنند، خواهان انتخابات آزادند و نظا هرات برپا می‌دارند، اعلام حکومت نظامی کرد. بیاضیه دولت ۲۰ روز پیش از کودتا در توجیه حکومت نظامی می‌گفت: "حکومت نظامی تا زمان افتتاح مجلس شورای ملی برقرار خواهد بود" (افراد آشوب طلب اخطار می‌شود که هر کس برخلاف امنیت حرکتی بنمایند یا مویجات تزلزل افکار را فراهم سازد، بدون ملاحظه تحت تعقیب واقع شده، و "مجازات" خواهد شد. همزمان در شهرت دادند که اتباع انگلیس در حال تخلیه ایران اند، به زنی فرزندان خود دستور داده‌اند فوراً از کشور خارج شوند. شعبات بانک مرکزی تعطیل شد. و بانک از صاحبان حساب خواست که اسکناس‌های خود را از بانک خارج سازند و به قران تبدیل کنند. احمدشاه در هراس و بیمناک، اصرار می‌ورزید که ایران را ترک گوید و انگلیس‌ها ما تعسکنت می‌کردند. در ضمن از اومی خواستند که موافقت کند قوای قزاق قزوین برای حفظ نظم و آرامش درپا بیخت به تهران بیاید.

در این روزها بود که همه سخن از کودتا بر زبان داشتند. سردار اسعد بختیاری برای در دست گرفتن حکومت در حال جمع آوری قوا و تشکیل جلسات مخفی بود، سالار جنگ قرعه‌ی فال را به نام خود می‌دید، فرمانده منقل بریکارد قزاق "استاروسلسکی" نیز دست بکار شده بود و فرمانده خود را به تهران رسانده برای "قران نشانی" با آیرن ساید ملاقات کند. اما انگلیس‌ها نامزدهای خود را انتخاب کرده بودند. ۲۵ بهمن سیدضیاءالدین طباطبائی مخفیانه به قزوین رفت تا مقدمات حمله ۲۵۰ قزاق را فراهم کند.

سیدضیاءالدین طباطبائی فعالیت سیاسی خود را با تاسیس روزنامه "شرق" آغازید. هرگز با هیچ حزب و گروهی در دنیا میخت، کار او با جگیری و رشوه‌ستانی از افرادی بود که از بدنامی و روسا می‌خواستند. کار سیدضیاء از او به جانی رسید که به تا گزیر روز ترس جان، سیدضیاء دوگارد شورویست حرکت میکرد. در دوران زمانداری وثوق الدوله، به ضرب رشوه به دفاع سرخستانه از قرار داد ۱۹۱۹ - برآمد و روزنامه "فرد" را در بسند در اختیار رسانید تا تجا و زکارانه انگلیس نهاد.

خراب کردن آلودگی ها و جمع آوری دکه ها و ... جلوه دیگری از سیاست سرکوب رژیم ضد خلقی

در دو سه هفته اخیر یورش و حشانه با سدا ران سرمایه و کمپنته چپها به زحمتکشان آلودگ نشین و دکه داران - حاشیه خیابانهای تهران ایما دگرگسترده یافته است. تجربه دو سال و اندکی که از حکومت جمهوری اسلامی میگذرد نشان داده است که هرگاه رژیم یورش سرکوبگرانه خویش را به نیروهای انقلابی آغاز کرده است در چنین جوترو و رواج کوشش کرده است اقدامات ضد مردمی خود را علیه زحمتکشان کشورمان پیاپی ده کند مثلا - به جمع آوری دکه ها - خراب کردن آلودگی ها - جمع آوری کتابفروشیها و خانه های بیست چا پخانه ها و بیلاخره بتصویب رساندن لوایح ضد مردمی در مجلس و انجام انتخابات میان دوره ای و ... مبادرت کرده است بیادادیم که در ۲۸ مرداد ۵۸ و قتی یورش بدقت ترسا زمانهای انقلابی انجام گرفت بدستال آن حمله بگردستان آغاز گردید و در پس آن جمع کردن دکه ها جنوب پارک ملت و سایر مناطق و اخراج خانه بدوستان از ساختمانهای اشغالی و جمع کردن آلودگی ها آغاز زکشت و نلی بدستال شکست های رژیم در گردستان بود که عیب نشینیهای او را در زمینه های دیگر در پی داشته و اینها رکه از او اخراج داد ماه رژیم ضد خلقی، یورش به آزادبهار با حمله به نیروهای انقلابی و دستگیری وسیع و اعدا میا دسته جمعی انقلابیون و مبارزان آغاز کرد، تصمیم گرفتند است در چنین شرایطی حساب خود را با زحمتکشان دکه دار، آلودگ نشین ها، کارگران مبارز و ... بیکسر کند. بجه عنوان نشون یورش به آلودگ نشین های شمال میدان آزادی میتوان ذکر کرد که صیحتا نزد هم تیرماه با سدا ران سرمایه با یک یورش غافلگیرانه تمام آلودگی های گلپوچا دره از زحمتکشان را ویران کردند. آئینه روز قتل از آن عده ای - با سدا برای خراب کردن این آلودگی ها به منطقه میروند و نلی با مقاومت یکپارچه زحمتکشان روبرو میشوند و کار به زد و خود می کشند و با سدا ران که عده شان کم نبوده ناچار به عقب نشینی میشوند. و از ایس جهت چند روز بعد یعنی ۱۶ تیرماه حدود ۱۵ با سدا رو کمپنته چپ و چندبا سبان با ما شین کمپنته و یک لودریا در دست داشتن حکم دادستانی انقلاب ۱۱ به محل آمده و بطور ضربتی و ناگهانی - نظیرا اینکه میخواستند بیک دژ تسخیرنا پذیرد شمس خا رچی یورش برند! - به خانه های - زحمتکشان حمله ور میشوند و تمام آلودگی ها را با خاک یکسان میکنند و در مقابل فریاد و شیون زنان و کودکان و اعتراض مردان میگویند: "این آلودگی ها چهیره شهر را کثیف میکند و با بد خراب باش". آنها سرپناه جادری و گلین این زحمتکشان هموطن را که اغلب آنها از جنگ زدگان - غرب جنوب بوده و هرکدام یک یا دو کشته در جنگ داده اند تا بود گردند بدون اینکه برای آنها فکری کرده باشند و در جواب -

کمیته فاداناد رفیق رحیمی

اعتصاب غذای شصت روزه و تنهاسا گوشه ای از مقاومت قهرمانان این رفیق کمونیست، این مدافع منافع توده های زحمتکش بود که رژیم را به عجز و زبونی خود در برابر آرا ده پولادین انقلابیون و قف ساخت.

رفیق رحیمی همزمان با اوج گیری جنبش انقلابی توده ها در سال ۵۷ به همراه دیگر زندانیان سیاسی از زندان آزادی شدم و دوش با توده های زحمتکش بسه مبارزه علیه رژیم شاه را ادامه داد. پس از قیام در کرمانشا و روستاهای اطراف آن به سازماندهی و آگاه کردن توده ها پرداخت و در مقابل یورش مسلحانه رژیم به روستاها و شهرهای کرمانشا همراه با توده ها به مقاومت مسلحانه پرداخت. رژیم همه جا بدستال او میگفت اما رفیق رحیمی همچنان به مبارزه خود ادامه می داد. او در زمره نخستین کسانی بود که در برابر سربازان تسلیم طلبانه و خائسانه "کمیته مرکزی" بمبارزه برخاست و پس از مدتی مستقلا به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. گفته می شود که رفیق حدود سه ماه پیش توسط مزدوران رژیم دستگیر شده است و با لافچه چند روز پیش بدست دژخیمان رژیم بشهادت رسید. پادش گرامی باد.

نام و شخصیت انقلابی رفیق رحیمی رحیمی برای بسیاری از انقلابیون و زندانیان سیاسی دورا رژیم شاه شناخته شده است. رفیق رحیمی که چند روز پیش بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسید.

او یک انقلابی بیگرومبارزی آشتی ناپذیر بود که سالها عمر خود را در مبارزه علیه رژیم شاه و در زندانهای ساواک گذراند. مبارزه انقلابی خود را از سالهای قبل از ۵۵ آغاز کرد. در سال ۱۳۵۰ دستگیر شد، اما از آنجا که ساواک نتوانست علیه او پرونده سازی کند، آزاد شد. دوباره بیضالیتهای انقلابی خود پرداخت. در سال ۱۳۵۲ مجددا "بنا تمام ارتباط با ما زمان دستگیر شد و مدت سه سال در سلولهای کمیته و شکنجه های مدام بسربرد. مزدوران ساواک تصور می کردند که با شکنجه های مدام میتوانند مقاومت او را درهم بشکنند اما او هیچگاه لب بسخن نگشود. سرخستانه در مقابل آنها مقاومت کرد. پس از آنکه ساواک از گرفتاری هارو به اطلاع از او ما یوس شد سرانجام او را بزندان قصر منتقل کرد. او در زندان قمر نیز همچنان علیه رژیم مبارزه پرداخت و آنی از مبارزه و مقاومت دست برداشتن است. ایستادگی او در مقابل زندانبانان و

بارد یگر رژیم فاشیستی اسرائیل، اردوگاه های خلق قهرمان فلسطین را بمباران کرد

قهرمان ایران و جهان را برانگیخت با لاف خلق قهرمان کرد که اینک هدف بمبارانهای رژیم جمهورت اسلامی قرار داد و هر روز خانه و کاشانه اش با راکت ها و خمپاره های آمریکائی رژیم جمهوری اسلامی بر سرش فروری ریزد. بیش از پیش عمق این جنایات را احساس می کند.

اما این کشتارها نه تنها قادر نیست توقفی در پیشبرد مبارزات خلقها پدید آورد بلکه توده های تحت ستم رادر فلسطین و سراسر جهان مضم شمسرو قاطعتر برای نبردی دورا ناسازو نهایشی آ ماده ترخواهد ساخت.

باردیگر خلق قهرمان فلسطین آماج حملات بمبارانهای صهیونیستهای جنایتکار قرار گرفت و مدها و مفشر از کودکان و زنان فلسطینی را کشته و مجروح ساخت.

این جنایات بر علیه خلقی صورت می گیرد که سالها، علی رغم سرکوبها، کشتارها، آوارگی ها و بی خانمانیها، همچنان قهرمانان به صهیونیسم ادامه میدهند و اردوگاههای آموزشگاه رزمندگان انقلابی سراسر جهان است.

این جنایت خشم و نفرت خلقهای

تندار جمعه احباری

رفتگران شهردا ریکه روزهای جمعه نیز مجبور به جمع آوری زباله ها در سطح شهر بودند نظرا "بعنوان استفاده از تعطیلات جمعه از کارمندان کردند. و حقوق روزها و جمعه را نیز قطع کردند. این امر موهبا اعتراض رفتگران - واقع شد. حزب جمهوری اسلامی پیشنهاد کرده است در صورتی با آنان حقوق جمعه ها پرداخت شود که در نماز جمعه دانشگاه شرکت جویند!

همچنین روزهای جمعه توبوسها و مینی بوسهای دولتی در مقابل هتلها محل آسان جنگزدگان آمده و با حاضری غایب کردن آنان و ایجاد درع و وحشت جنگزدگان را بزور به دانشگاهها و مراکز جمعه میبرند همچنین آنان که بینهایی مقرری زمینها د شهید میگیرند موظفند در نماز جمعه و راه هییما شها شرکت جویند.

اینکه چه فکری برای آنها شد، جواب دادند: "اینها را با پیدا ز شهر تهران بیسرون بریزیم چون هرکجا بروند چهره شهر را کثیف میکنند". آری آلودگی ها که کوخ نشینان چهره شهر را کثیف میکنند و خانه های کاخ نشینان را به منظره میسازند! اینست استدلال شهردا ر مکتبی و عوام مل رژیم جمهوری اسلامی که ادعا میکنند حکومت مستضعفان را بر فراز کرده اند! عین همین ماجرا بر سر دکه داران آمد. درسی ام خردا دکه نظ هرات وسیع و خونین در شهر تهران انجام گرفت با سدا ران سرمایه تمهادهای زدگی های خیابان مصدق را با شش کشیدند. و پس از آن بر چیدن دکه ها از سراسر خیابان مصدق با انقلاب و ... آغاز گردید و اینبار بطور کامل آنها را جمع کردند و در محیط راجع و ترویر که بوجود آورده در محمتری را دستگیر و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار آنها باشد.

بفیه در صفحه ۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر